

مسلط شوند رؤسای ملی که ازین اقدامات واقف شده
دانستند که بدفع الوقت دربار ساعی است که غرہ رجب که
آخرین موند افتتاح پارلمان معین شده بگذرانند، و صناً
سیاسی فرام آرند که باستبداد بتوانند وقت گذرانند
نخستین مقام منبع روحانی اسلام یعنی حضرات آیات الله
تو خالی بی هم خدعه و حیلہ دربار را ازین تلکرافت
نخریص بحرکت جدا ملت را متنبه، و سرداران ملی را
مخبرات سری دربار نمودند، و از قرار مسموع برخی
بمخبر حضرات آیات الله ^{در مسکن خراسان عیناً}
را که ما از جنبش کنونی سرد ^{است} این بود علی
استنطاق نموده ایم، و ممکن است علل دید ^{مخاطب طهران}
من بعد معلوم شود ولی این نکته را نباید ^{باشد که}
که چاه کن خود هماره نه چاه است

موقع سیاست کنونی ایران

افق سیاست ایران پیش از آنچه به تصور آید
مکدر به نظر می آید، و ازین رو میتوان گشت انقلابی
عظیم ایرانیان را در پیش نمایان است، و عمده این
انقلاب مربوط بر تبدیلات پلنکی است که مفتوحاً
غرب در اروپا پیش آید، بدون شبه خواست امپراطور
روس زیارت قبصر آلمان را مبنی بر مسائل واجبه بایران
بود، چه امروز اولین موقع سیاسی و اقتصادی را
ایران در آسیا برای جمیع اروپائیان پیدا کرده است
همین قدر بر سیل اجمال میگوایم، که ایرانیان
هرگز نباید تصور کنند که انگلیسها مانع از اجحافه
روس در شمالی و شمال غربی ایران بر حسب تقسیمات
جغرافیائی که بین خود نموده بشوند، زیرا هر تصرفی
را که روسیان در شمالی ایران حاصل نمایند و با هر اران
خون حکر حق برای خویش ثابت کنند و بر قبای خود
قبولانند، بر حسب همان معاهده عیناً آن حق در
جنوبی ایران برای انگلیسها ثابت و منعم میگردد،
در حقیقت روس و انگلیسها در مقاصد خویش سنگ
روی میخ نموده سپر بلای خود ساخته اند، که اگر مانع
خارجی یا داخلی در پیش وقت آن مقاصد پیش آید برای

پس سرب سر بدون ^{را بدون هیچ}
شروریت و حق قانون بدین نه نمودند که پس از
انضای ملت و تصویب اجتهاد و ولایتی بخواهد
اجرا گذارده آید، و صناً پلنک بازان دربار شرایطی
برای قابل ^{اولی} هرگز ملت منظور
و من جمله شرط نمودند که هر اران تومان دخل
مستقل معین نداشته باشد قابل به شمار نخواهد بود،
و صناً با منتهای سر ^{بسیکاسکان} قطع
واقع رؤسای مشروطیت کوشید، هم روزه دخالت
اوس را در آذربایجان و خراسان زیاد نمودند، و با
احرار طهران آغاز به بدست آورد، در باض بنای
تهدید گذارند، چنانچه کینه ^{حساباً} مر
حضرات آیات الله در نگرانی اندک وزرا و بامناً برای
اطمینان ملت تشکیل یاتنه ^{ناچار بهم خورد}،
اصرار دربار باستقراض اوس مسلم داشت که
غرضشان قطع تدارک و تکمیل ^{قشونی} بوده تا بان
وسيله بلکه بجهت استبداد ^{دولت} سوار گردند.
چیزیکه مزید هیجان سرب ^{میل} گردید و مخالفت
دربار را با مشروطیت و ^{برده} ساخت جمع
شدن همان اشخاص خوش ^{بوی} بود در دربار
مانند مشیرالسلطنه، شایستال ^{شیخ فضل الله ناری}،
امیر بهادر، میر هاشم و امن ^{ها} که آشکارا باعث
آنها خواره و خونریزی و تقابل ^{دولت} گردیدند
چنانچه بنابر ^{امیر بهادر} ^{فوج} فوج نموده،
یعنی ده فوج باوسپرده شده، ^{امر} بدون تصویب
وزارت جنگ هم بوده است، ^{بزرگترین} اسباب
یاسی ملت نیز دولت گردید، ^{از هر طرف} دربار
باز دید قوای قهریه کوشید، ^{برای} خود این آرامی
ملت را غنیمت تصور میکرد، ^{با کمال} عجله شروع
بطلب نمودن قشون از خارج ^{بر} آن شد، و اردوی
تبریز را بر نگرانیهای ^{چند} و ^{مختلف} با مابل و
علم شیور طهران خواستند، ^{چنانچه} بعضی دسته های
آن ^{طهران} رسیده و قرار ^{بر} عین الدوله هم وارد

وادار ملت جلوه میدهد، و دیگری خویش را
 رفتار ملت می نمایاند، محض پیشرفت يك ملت است
 همان مامده باشد، و اگر چنین نمی نمودند ملت
 دولت را یکدفعه از خود مأیوس کرده لابد آنها
 نوسل دیگری یعنی رقبای آنان می شدند، و ممکن
 به اسباب زحمت برای آنها فرام آید، این بود که این
 تبهك ملت و دولت را متوجه بخود ساخته مقاصد
 ترقی و از پیش برده می برند. بوق روس و
 انگلیس در معاملات این است که روسیان عجبول
 رکار و انگلیسها صبور اند
 حرکات عثمان در آذربایجان روس و انگلیس را
 زید و بریشان گردیده چه خوف آنها از آلمان است
 حرکات عثمان را مبنی بر اشارات آلمان می بندارند
 هنوز معلوم نیست که قبصر آلمان در این ملاقات
 ذریه تا کجا روی رضا بخواهد داشت در معاملات
 این نموده، ولی جاراتهای اخیر روس در خراسان
 مستند شدن وی برای فرستادن قشون بلمهران ظاهر
 بهدارد که ملاقات این دو امپراتور برای ایران ظاهراً
 از ضرر نخواهد بود، و چون عثمانیم سرگرم مسئله
 حزیره (کرید) است کاملاً نمیتواند توجه خود را
 طرف آذربایجان معطوف دارد، و فرستادن روس
 بکشد و بچاه قزاق با دو توب در ارومیه و عدم
 جلوگیری عثمانی صریحاً دال است بر اینکه قبل از فیصله
 (کرید) عثمانیان حاضر نیستند که حدا مانع حرکات
 روس در آذربایجان شوند، و اگر بن عثمانی و یونان
 در ماقده (کرید) خنک واقع شد و سر عثمانی در آنجا
 گرم گردید روس در جمیع صوبجات شمالی ایران مقضی المرام
 خواهد شد، و اگر قبصر آلمان روی رضا بخواهد داشت
 روس در ایران داده باشد در آن صورت هم عثمانی در
 آذربایجان سحت به مقابل روس ایستادگی نخواهد نمود
 ولی از روی مقتضیات پلتیک کنونی دنیا مشکل
 است که در آذربایجان آلمان روس را بهرگونه تصرفات
 اجازه دهد، ولی مظلون است که در صوبه خراسان
 بر تم انگلیسان روس را تخریص بمداخلت نماید
 این امر را هم باید دانست که دولت روس در
 مداخلات بایران این قدرها طالب ملك گیری و منافع
 اقتصادی نمیباشد، بلکه غرض اصلی او این است که در

وجه ترقی ایران را روشن
 انگلیسها هم تا آن حد
 از تجاوز از حد
 فلاحی نگردانند
 داشت که
 (درین حالت)
 تکلیف ایرانیان بر حسب
 تقضای کنونی
 (۱) جمیع مایهات خصوصاً ایلات و عشایر ایران
 باید دست اتحاد بیکدیگر داده بدو مانع
 پیش بردارند، و یکدفعه فوت وقت را برای استقلال
 و ان عزیز خود سم قات تصور کنند
 (۲) سرعیت اجانب را از خود دور داشته بقو
 عشایری و ایلی بعد از برتست های لازمه به تمام قو
 بمقابله یا خنک و گریز روس را از ایران خارج نمایند
 (۳) مقام منبع ریاست روحانیه اسلامییه و هیئت علمیا
 و حضرات آیات الله نجف اشرف راست که در مقابل
 روس این از پروتست های رسمی بجمیع دول اند
 فعالیت اختیار نمایند، با جماع حکم بجرمت و وجوب ترقی
 مامله با روس دهند، دفع ویرا بر مسلمین فرض
 منجم سازند و باید بدست مبارک خود بیرق دفع و
 از نجف اشرف بلند کرده به طرف ایران آیند، و هرگز
 تصور نکند که روس الا بر آنها غالب تواند آمد
 بیک حرکت فعلی و چند سطر حکم قطعی آن موالبان روس
 را در داخله خود میبندند دچار مشکلات عظیم سازند
 اگر استقلال ایران را طالب آید، اگر آزادی ای
 مملکت اسلامی را خواهد بگرد آید، اگر دستان بر اسلام
 میسوزد اگر ترقی ما را خواهان و ناموس مسلمیه
 را حافظ آید، راه ایران جلوه امروزه ما منحصر در
 همین است، ورنه قطعاً کنند ایران می رود، اعلام
 و مسلمانان ذلیل، و در حال است استقلال
 ایران و ایرانیان و ایران انشاء عشریه حاصل گردید
 وقت چنین اقتضا دارد موقع خزان و زمستان
 و مانند این که تیر در تیزی از شصت میگردد
 موقع از کف ایرانیا خرج می شود
 خطر عظیم است
 (ایکاش مردم همه ایران بوقی
 تا از سر زبان بر بوی
 افق سیاسی ایران خنک
 آید

از کنگره ها و کارها و فساد های مخفی
علنی که در این باره از دربار شروع بشود و
بیت رسیده هیچ جای شبه باقی نمانده که اساس
م اقدامات و بیاناتشان بر بی شعوری است و بس !
لوطی اند بی مکر ، جاهلند بی شرف ، کذاب اند
لی از هر منجه خانی اند بر از حیل و جبهات)
بد هر قسم که در لندن با همجو جانوران عین سفاقت
مت و خاك در پاره انباشتن ، و با وجود بودن آنان
واه تمام بی سلیع میل و اوامرشان بشوند یا نشوند
ران رفته و جزء ممالک روس شده !!

(چه باید کرد) ؟

در اینجا است که ناچار بزمین میخورم ! بر انداختن
بنین بلای دلهای قوی و کله های خنکی لازم دارد ،
امروز در ایران هر دو اثر سیدرخ و کیمیا را
ارند ، بخصوص که اسم و پای خارجه بهمان بیاید ،
رایها چنانکه آنها تریت قرون طبیعت فانوی
رای آنها شده ، باید پیش بزرگتر خود را چهار
! کرده و هر دست را مشت نموده روی خایه
لذاشته و سر بزیر آنگند و دم زنند ، خواه موقع
مقتضی باشد خواه نباشد ، همین قسم بسکه در این دوره
نست سنی اخیره امرا و بزرگان محنت ایران از شنیدن
سم روغن رنگ و رو را باخته خود را ملوث
کرده اند ، این مسئله سرایت باحاد و افراد ایرانی نموده
! آنچه با خود مرگ هم حاضر باشد بستیزند) بجزرد
شنیدن اسم روس از هم می باشند !!

امروز که روس داخل آذربایجان شده و تهدید
آمدن بطهران میکنند و در بن ملتی ها و دولتی ها
در مسائل (کنستیتوشیون) کشمکش برپاست ، اول
ریشه بجهت روسی و رشتی ها این است که از تزوین و
حرکت و در دور طهران جمع شوند و اردوی سرچی
زیر پا آورند و خروج روس را جدا بخواهند که هم
است که از آذربایجان خارج شود و هم
از خیال فرستادن کنگ طهران مست بکشد و هم
پشت گیری بزرگی برای ملتی ها در طهران شود که
با قوت کنگره و مقاصد ملی را از پیش به برند !
بسیار است که از آذربایجان خارج شود و هم
حرکت روسیه و میبدهد ، و بیک حرکت غلط
از شخصی از شش جهت طفت

ایرانیها در ماه جمادی الاول گذشته غلط و خبط
بزرگی که کردند این بود که اولاً از تهدید خشک
خالی وزیر مختاران روس و انگلیس که اگر شاه در
ختر آید ما مداخله خواهیم کرد) فوراً ناخوشی زحیر
گرفته تمام اهل انجمنها را از اطراف پارلمان باصرار
پراگنده کردند ، و ثانیاً بعد از اینهم که جنگ
کردند (باکوف) را که اتصالاً دم تیر آنها بود
از کثرت جبهات از بی پنداختند (و حل آنکه
بقانون هیچ ملت و دولتی بر آنها از قتل او بجنی
وارد نمی آمد اگر او را کشته بودند) چنانکه ژارژدفن
طهران در راپورت خود که بوزارت خارجه انگلیس
نوشته و در (کتاب آبی) وزارت خارجه راجع
بامور ایران چاپ شده (جنگ باور دیگر ختم میشد)
و مذاقها میگریختند و فتح و غار با ملتی ها میشد !
و باین همه خسارت مالی و جانی دچار نشده از خانهای
خود در بدر نمی شدند و مملکت این دور بیاد نمی رفت !
در آن وقت آن دو خبط را کردند و دچار این
همه بدبختیها خودشان و ایران را ساختند ، حالاهم اگر
خبط نمایند چه نبر های ناگوار که ببرند

از فرنگیها اشخاصیکه سردار اسعد را دیده
میگفتند که از او فایده بمات و مملکت خیلی حاصل
تواند شد ، یکی از سرای سابق انگلیس بن اظهار داشت
(بعد به سابقه معرفی که در حق سپه دار اعظم دارم
میتوام اقدامات او را ناجی ایران بیان کنم)

در این عالم باید یا روسی روم شد یا زنگی زنگ -
و تجربات تاریخی با نشان میدهد هر که جز يك پلنگ
مستقیم اختیار کرده ذیر وبال و خسران بهره نبرده !
و آنکسی این مسئله از بدبختیها اولیه است که هر که
راحت میخواهد باید متحمل زحمت و خنجر بشود
چنانکه امروز ضربات تمام دول متعده اروپا و قفلا
این است (اگر صلح میخواهی باید آماده جنگ بشوی)
امروز اگر جمیع طبقات ایرانی از شهری و ایلاتی متحد
نشده در راه استقلال مات و مملکت خود سر فشان نکند
و در اخراج روس از آذربایجان پای نینشارند نرداست
که روس وارد اصنهسان خواهد شد ! چنانکه همین
الان که مشغول نوشتن این تذکراتم روزنامه (نیویوریا)
و سلووو که هر دو روسی اند در مقابل دارم که هر دو
روس را تا کید میکنند که از تبریز قشوز روس باید

تجاوز کرده بطهران رود و از آنجا رفته اصفهان را
تصرف نماید بلکه ابراراً تصرف نظامی خود در آورد
و این دو روز نامه هر دو بخار و دائی با یارتها و دفتر
حانه وزارت خارجه روسی دارند! و رسیدن ناصران
هم هیچ طولی ندارد خیلی طول بکشد دو ماه! اگر
روس ناصران رسیده کاؤس عاند نه گودرز و طوس
اولاً رؤسای شجاع دایر و علمای صاحب نفوذ را ببهارای
(گرگ ار بره) یکی یکی گرفته بزنجیر خواهد کشید و به
مجلسهای روسیه خواهد فرستاد تا فرصتهای فوت شده
خود بگیرد و در حرمت و ابدوه حال مدهد چنانکه
همین معامله را با رؤسای آذربایجان پیش گرفته بودید که
یک دفعه تشون تنهان به همراه رسید و بیدق تنهانی
در نام حانه روسیه ملی ماه هزار آمد روس فرق نمی کنند
خواه رئیس دولتی باشد یا ملتی هر که سر حساب است همین
معامله را با او خواهد کرد!

امروز اگر ایلات شجاع دایر ایران و رؤسای
روحانی اسلام از ملاحظه اوضاع آذربایجان ساکت
نشینند فردا همین اوضاع بسر خود آنها خواهد آمد و
ایلات شجاع کفونی ابراراً روس مانند ترکمان بیعت
خزید و داس ار استعمال و داشتن هر قسم اسلحه منع
خواهد کرد تشون وحشی روس شبها دختران آنها را
رتن خواهند و داشت و مردان شان را رورها گرم
ساختن آب حمام! این در این وقت که ار برکت
استقلال مملکت و ملت خود همه قسم است و عرت و
عصمت و دیانت را داریند بشکراه این بهات باید از
هیچ قسم حافظانی در حفظ استقلال وطن خود یعنی
ایران خود داری نه نمایند و الا نتیجه و خیمه قناعت
سلطان حسن ناصران شامل حال همه ایرانیان خواهد شد
(ان شکرتم لا زیدنکم و ان کزتم ان تناب لشدید)
عثمائی قوه اش سر باز منظم بود تکلیف خود را بحسب
آورد ایرانهم قدرتش در ایلاتش است ایلاتهم باید
تکلیف خود را بجا آورد و الا اول طبقه که در ایران
مصالح و در بدر خواهد شد بد از تسلط روس
همین ایلات ایران خواهند بود! شاهسونها اگر دیت
دارند عصمت میباشند اسبابت می فهمند بلکه اگر
معنی خود خواهی را میدانند باید بیاد بیاورند صدقات
را که بحریک روس در عهد امین السلطان بردند! و
فریاد روسی که مجلس مقدس از آنها کرد و آنها را
ار فا و زوال رهایی دست میردی از آستن بیرون

آورده دشمن همه چیز خود را از خانه خودش بیرون
ایرانیان اگر امروز بطور صفت آرای جنگ با
روس را نتوانند نمود هر يك از ایلات ایران بنگاه
خوبی میتواند به تکتیک (بوتر) ها با انگلیس
دهاتیهای بلغاری در مالکان با عنانی جنگ نمایند
ترتیب جنگ و گریز! بوترها که تمام جمعیت آنها
ار زن و مرد بیست هزار نمیرسد همین ترتیب جنگ
بجاء هزار تشون انگلیس را تلف کردند و دویست
مليون لیره خسارت بر او وارد آوردند و سه سال
تمام هم در مقابل در بیست هزار تشون انگلیس با آنها
نوبهای ری و بحری کوه شکاف مقاومت کردند و
نامی بلند در عالم بر خود مسلم داشتند و بالاخره هم
خود حکومتی و هم پارلمان برای مملکت خود مسلم
نمودند! اینهمه کارهای بزرگ را این يك مشت
مردم در گوشه آخر افریق از برکت چه پیش بردند?
يك مقال حرارت و بکمال وطن پرستی! اگر آنها
هم از قلت عدد و کمی استعداد خود (که در حقیقت
در مقابل انگلیس هیچ بود) می اندیشیدند و از شنیدن
اسم انگلیس زهره شان جاک می شد چگونه باین
سعادت نایل میتوانستند شد! و حال آنکه علاوه بر
این نواقص مذکوره از هیچ جا امید کنی و فرجی
نداشتند و ناخان خود در کمال ناامیدی بازی میکردند!
ولی ایران با اگر يك ایل خود در مقابل روس بنگاه
بطور جنگ و گریز در راه ملت ایستادی کند عنانی
و آلمان و امریش و انگلیس حتی در خود روسیه همه
دست به یخه میشوند و غلغله در اروپا می افتد و حال
آنکه قسم به کثات میخورم اگر روس بفرسد زمین
سخت است و پای اندک زرد خورد بمیان خواهد آمد
با این حال ورشکستی و ضعف و فلاکت و اغتشاش
داخله که دارد زهره آنها نخواهد داشت که يك قدم
تجاوز در حاک ایران نماید! طی وقتی که دید ایرانیها
همه کانی آمد و بیک تن رنگ را باخته و خود را
ملوث میکنند و خود و مملکت خود را تسلیم می دهند
روس نباشد کدام دولت صیغ و سببی است که لز
بلع چنین لقمه شیرینی خود داری نماید! هر که ترسید
مرد) از منتهای معروف است! بوترها را کنار
میگذاریم رجوع تاریخ چند سال قبل بایران کنیم
می بینیم يك مشت دهاتی بلغاری بی اجازه دولت خود
منتقم مجتهد دسته مرکب این ده تا صد نفر در سال

خواجه را که دیگری از تجاورات خارجی حفظ
 کند خاک بر سر صاحب آن خانه و وای بر اهل آن
 خانه !!
 چون دولتی برای ایران باقی نمانده و دولت ایران
 امروز تبارت است از مشق بی شرف خاین و حی
 دیگر از اشخاص ست عنصر بیجه نهه حیون راحت
 دلب پس امروز نرجی که برای ایران و امیدی که
 برای حفظ استقلال این مملکت متصور است در اظهر
 مردانگی و جلالت و اتداف خود ابرایهیند و بس !
 تا حال بسکه ایرانیان اظهار ترس و بیم از خارج نموده
 و ملاحظه و تحمل فوق العاده از اجتناف آنها کردند
 کار بجائی رسید که روس جبارت کرده داخل ایران
 ار هر طرف شد و حال هر قدر ایرانیان بیشتر سکوت
 و اظهار حق نماید روس بیشتر خواهد رفت ! اگر
 امروز ایرانیان حق و بی حی و ملاحظه را کنار
 بگذارند و مردانه از دین و مملکت و خانه و عصمت خود
 حفاظت نمایند جبارت روس بیشتر شده هر روز بر تجاور
 خود خواهد ازود و تمام شمالی ایران را محکوم قزاقهای
 وحشی خواهد ساخت و مذهب و نصرت و حق و مان
 ابرایهیند دست قزاقها خواهد سپرد ! هر که ست
 گرفت سحت میخورد ! اگر ایرانیان در تجاور روس
 به آذربایجان تا ایندرجه سکوت و بی حی و جبات
 اظهار می داشتند روسرا جرأت بر آن می شد که در
 قبه الاسلام مشهد مقدس بقتل مسلمانان جبارت نموده
 رو بروی گنبد مطهر رضویه علیه الصلوات والسلام توب
 به بندد و خاک بر فرق روحانیان اسلام بیاند ای کاش
 مرده بودیم تا چنین روری را نمیدیدیم
 تمام پیغمبران پلنگی امروز حکم قطعی بر حدود
 طوفان بزرگی در اروپا و آسیای وسطی میدهد که از
 اثر آن ممکن است ملتها از نام و دولتهای بزرگ از
 بیوقند و استحقاقات سکندری تا خاک یکسان و هزاران
 کوهها و قلمه های آهنین متحرک بتدری دریا فرو برود !
 امروز دولی که عساکر شان از شماره ها افزون است
 و کشتی های زره پوششان از تعداد ماهیان دریا فرور
 و در اتحاد و اتداف با ملت و مستملکات خود مده
 دو روح در يك پوست اند تا درجه مصداق ماده دو
 ازدیاد نوای بری و بجمری و استعکام عقود اتحاد و
 اتداف برای مقاومت طوفان متنازه میکوشند که گوژ

خواجه را که دیگری از تجاورات خارجی حفظ
 کند خاک بر سر صاحب آن خانه و وای بر اهل آن
 خانه !!
 چون دولتی برای ایران باقی نمانده و دولت ایران
 امروز تبارت است از مشق بی شرف خاین و حی
 دیگر از اشخاص ست عنصر بیجه نهه حیون راحت
 دلب پس امروز نرجی که برای ایران و امیدی که
 برای حفظ استقلال این مملکت متصور است در اظهر
 مردانگی و جلالت و اتداف خود ابرایهیند و بس !
 تا حال بسکه ایرانیان اظهار ترس و بیم از خارج نموده
 و ملاحظه و تحمل فوق العاده از اجتناف آنها کردند
 کار بجائی رسید که روس جبارت کرده داخل ایران
 ار هر طرف شد و حال هر قدر ایرانیان بیشتر سکوت
 و اظهار حق نماید روس بیشتر خواهد رفت ! اگر
 امروز ایرانیان حق و بی حی و ملاحظه را کنار
 بگذارند و مردانه از دین و مملکت و خانه و عصمت خود
 حفاظت نمایند جبارت روس بیشتر شده هر روز بر تجاور
 خود خواهد ازود و تمام شمالی ایران را محکوم قزاقهای
 وحشی خواهد ساخت و مذهب و نصرت و حق و مان
 ابرایهیند دست قزاقها خواهد سپرد ! هر که ست
 گرفت سحت میخورد ! اگر ایرانیان در تجاور روس
 به آذربایجان تا ایندرجه سکوت و بی حی و جبات
 اظهار می داشتند روسرا جرأت بر آن می شد که در
 قبه الاسلام مشهد مقدس بقتل مسلمانان جبارت نموده
 رو بروی گنبد مطهر رضویه علیه الصلوات والسلام توب
 به بندد و خاک بر فرق روحانیان اسلام بیاند ای کاش
 مرده بودیم تا چنین روری را نمیدیدیم
 تمام پیغمبران پلنگی امروز حکم قطعی بر حدود
 طوفان بزرگی در اروپا و آسیای وسطی میدهد که از
 اثر آن ممکن است ملتها از نام و دولتهای بزرگ از
 بیوقند و استحقاقات سکندری تا خاک یکسان و هزاران
 کوهها و قلمه های آهنین متحرک بتدری دریا فرو برود !
 امروز دولی که عساکر شان از شماره ها افزون است
 و کشتی های زره پوششان از تعداد ماهیان دریا فرور
 و در اتحاد و اتداف با ملت و مستملکات خود مده
 دو روح در يك پوست اند تا درجه مصداق ماده دو
 ازدیاد نوای بری و بجمری و استعکام عقود اتحاد و
 اتداف برای مقاومت طوفان متنازه میکوشند که گوژ

با این اوضاع نهایت غنلت و دیوانگی و جهل بی مایگی میخواید که ایرانیان این قسم آسوده و غافل بچینند و از وخامت حال خود و مملکت خویش نپندیشند!

امروز باید ایرانیان خورد و خواب را ر حرام کرده اساس اتحاد و اتفاق محکم چیده هر قوه دارند مستجمع و حاضر دارند که اقلاً در این طوفان مترتبه تا درجه خود را از محو و اضمحلال مصون دارند! امروز لاشه ایران و خانه بی صاحب ایرانیان محل رقابت و توجه عمده اروپائیان شده امپراطور روس برای بلخ آذربایجان و اخراج عثمانیان از ارومی و اطراف غربی آن احرام ملاقات بلکه زیارت امپراطور آلمان را بسته و امپراطور آلمان بعد از آن آمریکا بروس در مسئله بوسنیا و صربستان بست و قوه و رعشه را اعضای دولت روس اداخت و در میان ملل و دول سر افکنده و خجلت ساخت حال محض صیقل ساختن انگلیس در جلب روس بخود همار عشوه و غمزه میکند! آیا انصاف است با این حال ایرانیان دست زیر چاه زده مبهوت و بی حس مانند زنهای عاجز تماشای نمایند! امروز اگر آذربایجان برود فردا طهران میرود پس فردا رشت و کاشان پسین فردا اسنهبان! کار که بدینجا رسید انگلیس هم تمام جنوب را تصرف مینماید! باز برویم بهان سوال دلخراش در عنوان (چه باید کرد) و چه اقدامی باید نمود؟ آیا ایرانیان حاضرند فکری و اقدامی و تلاشی در حفظ مملکت و ملت و مذهب و خانه و عصمت و جان و مال و شرف خود بکنند؟ یا اوضاع و ترس این شصت سال گذشته هیچ حس و جرأتی در آنها نگذاشته؟ باز میگوئیم ای ایرانیان چه باید کرد؟ ای علما چه باید کرد؟ ای رؤسای ایلات چه باید کرد؟

حکایت اصفهان (۱۶ ج ۲)

بیم شهر جاری به تصویب سرداران ملی و مشوره آذربایجان و تزوین محض خوشنودی شخص شاه باسم اعطای مشروطیت و قبول مستدعیات ملت شهر را چراغان نمودند، حاجی قاجار الملک هم بنایب الحکومگی اسنهبان از طرف وزارت داخله وارد شد، حضرات سرداران ملی و مجاهدین ایل جلیل بختیاری آماده بودند که اگر اطمینان افشای هواپند دربار پیدا نمایند اردوی خود را

مذوق ساحه ققط یک دسته مختصری از سینه الراجحی صدق در اسنهبان گذارده شهر را تسلیم دولت دهند ولی بدبختانه هیچ اسباب اطمینان فراهم نیامده حال معلوم شد که قبول خواستات ملت نبود مگر بی دربار از فشار سپهدار اعظم، و از تلگراف ذیل که سپهدار اعظم به اسنهبان نموده این نکته اهم بخوبی ظاهر میگردد

خلاصه تلگراف حضرت سپهدار اعظم (بحضرت مصمص السلطنه)

خیال می نمودم اردوی سریع دلیر بختیاری حاله در قم آمده اند، حالا معلوم می شود که از خاک دامنگیر اسنهبان قدمی فراتر نگذارده، امروز عصر و عده تکمیل بعضی نواص را دربار داده، هرگاه رفع شد قبا، و الا نه دیگر به پیشگاه ملوکانه عرض، و نه با وزرا زحمتی، و نه از حضرت مستطاب عالی استدعائی دارم، خودم به تکلیف مسلمانان عمل می نمایم



این تلگراف چون فعلیت داشت رعشه باندام درباریان افکند و از خوف و بیم ظاهراً به تکالیف سپهدار اعظم گردن نیاوردند، ولی افسوس اظهارات زبانی آنها هم تا وقتی بود که حضرت سپهدار با اردوی ملی در قزوین تشریف داشتند، همین که سپهدار از قزوین حرکت نمود و جنابان مصمص السلطنه و سردار اسعد قدری برم شدند باز همان اوضاع اولیه در طهران ساری و جاری گردید، حضرت سردار اسعد ازین عهد شکنیهای تازه دربار زاید الوصف متقلب شده، و امر به تشکیل اردوی بسیار جیبی داده که سر بیا حرکت بطهران نمایند، مسلم است که حضرت سپهدار اعظم هم فوراً عودت بطهران خواهند نمود.

مقصود این است آن تصور سعادت را که ما برای ملت و دولت در اتحاد می نمودیم غلط بود و هنوز درباریان بملت مهربان نشده، و تا وقتی که شاه را مانند امیر بخارا نوازند، یا هزانیوی سلطان عبدالحمید نه نشاند دست نخواهند کشید

انجمن ولایتی اسنهبان هنوز موقتی و محو از ولایتی بدون موکل است، و تاکنون خارهای هفت پهلوی در جلو شاه راه ترقی و سعادت اهالی بسیار است، و مجاهدین غیور با یک عالم حلم و سکون با آنها رفتار می نمایند، عرض این است که هنوز آثار نورانی در ایل نیست ایرانیان دیده می شود بعضی از این ایلان

(لیس البلیة فی ایامنا عجب)

(بالسلامة فیما اذبح العجب)

تاریخ جدید ایران دارد با یک سرعت و عجله عجیب خودش را اعاده میدهد و واقعات تازه را همه مانند هدیه میبندد، ولی چیزی که محل تأسف و مورت شکستگی دل میشود همین است، که این حادثات تازه اسباب خرابی ملت و ویرانی مملکت و قوت استبداد و دور نمودن مردم از عدل و داد است، و هر چه بیشتر تکرار مییابد بر پریشان احوال ملت و سستی قواء آن بافزاید، و بدتر از همه آنکه این مصائب دل خراش بروقی محدودت میرسد که عاشقان وصال عدالت چشم خود را بافق سعادت این مملکت دوخته و دم همه دم انتظار دارند که چه هنگام آفتاب اقبال از مشرق استقبال طلوع نماید، و چه وقت سیم جان فرای عدالت قلوب گداخته وطن خواهان را افاقه و علاجی بخشد، و حقیقت این واقعات غیر مترقبه بر دلهای متعارین مجات همان اثر را دارد که سم قاتلم بر کبد ضعیفان، چرا که بعد از گذرانیدن روزهای بلا که هر یک دراز تر و سخت تر از سبالی می بود حالا بنازگی از عقبات مهلك و درکات پر زحمت عبور کرده و نامیدی میخواستند سوزدرون و جراحات اندرون را تسکین بدهند، و دمی با حضور قلب و خاموشی قارع بر رفع این همه بلیات و صدمات فوق التصور خارق العاده قیام و اقدام کنند، اندکی در تمسیر این کلبه خراب فکر و کار کنند، و قلبی این چهار رنجور خود را تیار نمایند، اما گویا هنوز خاطر ضایبان حقوق بر این تعلق نگرفته که این مردم بیچاره را بحال خود بگذارند و دست از خرابی این کشتاه بردارند، و چنین بنظر میرسد که بجان و خیال ایشان آنهمه خرابیهائی که علاوه از سابق و بیشتر در این ملک کرده و آن اندازه ظلم و ستمی که در عرض همین یک سال گذشته بر این خلق روا داشته اند برای برآی و تباهی این و آن آفتاب نکرده و در پیشه مردم را چنانکه باید و شاید ناب نرسانیده —

بناچار پندار ایشان چنین و مکتون خادیشان همین است که هر چه زودتر ایشان را مستحضر نمود، دیگر ایتر و منظره استقبال

• تعلیم باشند که پس

بناچار پندار ایشان

آینه آینه ایران تیره و تار و احوال جنس ایران دوچار هزاران زحمت بدتر از زهرمار است، تا بجایشکه شقول سپاسون تواما و ادراك مدبرین دانا از اصلاح و تعمیرش قاصر و حیران و از کشف این رموز غامضه بخود و پریشاست، و بنا بر این بایست آنها را مطمئن ساخت که بی اشتدالها و خرابیهائی که ایشان در یک روز از سال گذشته کرده اند بیشتر از یک سال طول میکشد تا رفع بشود، آنهم در صورتیکه کاری از طرف ملت پیش برود،

فی الحقیقه احوال دوستداران سعادت ایران شباهت بحال کسی دارد که در شب یلدا در تیره بیابان گرفتار آمده نه جای قرار و نه پای فرار، و در تاریکی و وحشت خسته و وا مانده گشته، تمام شب را احترامی ندارد، بامید آنکه شاید وقتی صبح صادق نهجی نماید و نور خورشید رحمت تاریکی را مبدل برحمت و روشنی کند، اما بدبختانه بموضعات و طراوت سیم صبحدم فقطاً موقوفاتی سعت و گردد و شباری عجیب ظاهر شده کار را بر او سخت تر سارد، در این اوقات هم که امید بر این بود تمام رجحات و صدمات بسر آمده و دوره سعادت شروع و آذر بجاید از یک طرف مداخلات دیگران انواع و اقسام مشکلات راه انداخته و از طرف دیگر در هر نقطه و اطاقی غیر مترقبه بروز میکند که نار اسارا از آتیر آن اوضاع ناهنجار نا امید میگردد و غمگین و جهالت ملت را بمنصه ظهور میرساند، ترس ما از این است که تمام آن فداکارهای تاریخی، کاتبه آن کشمکشهای مشهور میان عدل و استبداد، و همه خون ریزیهای فراوانی که در طرف این یکال شده و آن خسارتهای ناگفتنی که از هر جهت و از هر حیثت بر مات و مملکت وارد آمده حالا به یک و شده بی با، یک مکاتبه مبهم، و یک مشت اغماط یعنی، که شمشیر دست استبدادیان ایران است هدر و ضایع گردیده در این سکوت و سستی که بالذبح بر ملت در همچو وهله شایه میکند خاشین مقصود خود از پیش ببرند و مات زمانی بخود باز آید که کار از کار گذشته و تیر از چله کان جسته باشد، و این قره ابداً از زود باوری و صداقت این ملت ببرد و دور نیست و همین تجاربی که در این سالهای اخیر از آنها حاصل شده تأیید میکند، چه که دیدیم همان اشخاصیکه مقرر استخوان ظلم و تیر کر استبداد بودند و خیانات ایشان مانده

ا تاب روش گشت بد از جندی باز به نام اولیه
شده حرف مارا یا رتبی عاقر ارتقا جسته و شئونانی
را که در عالم خیال تصور نمیکردند نصیب ایشان
گردید ، نامردگی آصف الدوله بصدارت عظمی در
دوره مشروطیت که گاهی متنازع و مترصد نبود ، بهترین
شاهدیت که این ملت یا از فرط جهالت یا از کثرت
ملاحظه یا از وفرت صداقت چو پانی گله را از گرگ
سامان خواستگار بوده و برودت را از آتش سوزان
اشعار داشته است و بی شبهه تا حال بر این منوال و
کار از همین قرار است ، ما پیاده خواهیم بود و ترقی
و سعادت سواره ، و هر چند ما لنگان لنگان خواهیم
گرد او برسیم نمیتوانیم و فقط در میان راه خسته و وا
مانده میمانیم ،

این امروز اول فریبه مهی است که داریم ایست
گذاریم مات گرتار اشتغال شود و خود را بیند بوسیده
و عده و عهد بیاویزند ، بلکه هر طور است طریق عقل
را از دست ندهد و تا میتواند حقوق خود را بدست
خویش گیرد ، اینکه بگذارد دیگران بدستش بدهند ،
هر چند احکام مبارک شاهان دین و حافظان شریعت که در
ایباب صادر فرموده اند برای تذکار و توضیح اینخطاب
بهترین طریق و وسایه میباشد ، و علوم مبارک ایشان را
بیشتر از بیشتر امر میسازد ، ولی بر عهدۀ نوع خواهان
داخه ایران فرض است که این وهله را خیلی از ورطه
های سابق و خیم تر دانسته و تمام مسای دیقیت خود را
در این معروف دارند که مات کلیه اعتماد و اتکال
خود را منحصر بر موا بد ظاهرا نه سازد و بدین واسطه
از بعضی نکات چشم نیوشد ، زیرا که بعد از آن فدا
کاریهای جاهاه اگر حالا مات کوچکترین اشتباهی بکند
و از حزن امری صرف دار نماید حیرتش محال
اندر محال خواهد بود ، امید ما بر این بود که در
بعضی نقاط که زمام امور بدست بعضی اشخاص بر پروا
اتاده طوری شود که باسانی و خاموشی بگذرد و کار
بجای نازک نکشد ، ولی می بینیم دارد بر خلاف
اشعار ما و امانات و خیمه رخ میدهد ، هنوز از حادثات
فجیه لار آورده نشده بودیم که داهیه بوش در کار
آمده ، از این روست که ناز خار روساء مات را
متوجه بنکات نازک نموده است اما داریم بیشتر مواطب

اخبارات بوشهر را آنچه نوشته اند خلاصه کردیم
ذیلاً میسکاریم -

واقعات بوشهر

رشته اخبارات اینجا را هر قدر بخواهم با هم دیگر
وصل کرده و مقدمه و خاتمه را با یکدیگر مربوط
بسازیم می بینیم بار نمی شود ، و بعد از آن آسودگی
و امنیت که دست داده بود دیگر کسی را اهدا بخانه
نی آمد که همچو واقعات ناگوار رخ داده جهالت و
نادانی بی پایان این مات را بر طالبان ظاهر سازد ،
هر چند بر ضایر عقلاء ظاهر و با هر بود که این نهادیم
کاری و بی فکری آنهایکه زطم کار را در دست
گرفته اند لابد منجر بجای نازک خواهد شد ، و هواره
مترصد بودند که این وانه و خیمه بچه شکل بظهور
برسد ، ولی بهیچوجه کسی انتظار نداشت که کار را
بدین سختی به بیند ، حالا که میخواهم این واقعه را
حزء ام کلاً بجزیر آورم متعیر هستم که آزا چه نام
بگذارم آیا بگویم زدو خورد میان استبداد و مشروطیت
بود ، یا نویسم کشمکش بن حق و باطل بود ؟
خیر - هیچکدام از اینها نبوده ، و اگر میخواهم خدا را
شاهد و گواه گرفته و با رعایت ایمان سخن برانیم
نیتوانیم آرا چیز دیگر غیر از (جنگ جهالت با
جهالت) بنامیم ، زیرا که این دو بیت ، این ظاف ، و این
خود عرضی نموده جهالتی است که چشم تمام روساء ما
را اعم از مأمورین و ملاها و تجار و سایر طبقات
ار دیدن حقیقت مانع و حایل گشته است ، و در این
جا تا اعلی درجه کار خود را نموده و آنچه را که باید
بکند کرده است ، مختصراً بعد از ورود جناب نویسیکی
در همان روز ورود یعنی از اعضاء انجمنی که جمع
شده بودند زمزمه استغناء نهاده ، یکی عذرش این بود
که ترویج شریعت و اصلاح حال مریدان توسط فریاده
ایشان کمال و جوب دارد ، و چون از آن کار بازمانده ایم
احوط آنست که از این انجمن اجتناب کرده بکارهای
خود مان سرکشی بنائیم ، دیگری دست آریزش این بود
که از هم کارهای خود بجزر مانده و باید هر چه زودتر
است بکار و اسرای خویش برگردد ، و فریاد خسته
بر این ملت منت نهادند و کمال بزرگواری بجای آوردند
که این دو سه هفته آخری بانجمن شریعت امر ما

کتابخانه مجلس شورای ملی
تاریخ ثبت: ۱۳۲۷
شماره ثبت: ۱۰۰۰
(اعلان)

هوايه نسالي

خدمت با سعادت عاها اعلام و تاجار عظام و اعيان
اشراف و ساير اهالي بوشهر و توابع اينكه، انجمن
نظار روز جمعه ۱۵ جادي الاولى الي بيست و هشتم
مهر مذبور هم روزه باسثنای روزهای يكشنبه و
چهارشنبه و جمعه ديگر از ساعت ۹ الي غروب آفتاب
برخانه ملكالتجار حاضر هستند از برای دادن اوراق
عرفه باشخاصي كه داراي شرايط ذيل باشند، لذا هر
كس داراي اين شرايط است در اوقات مزبوره و محل
مبن تشریف آورده تا ورقه تعرفه بايشان داده شود
صورت شرايط اشخاصي كه حق گرفتن تعرفه
ارند از اين قرار است

اولاً زعيت دولت ايران باشد، ثانياً سن آن كتر از
بيست و يكسال نباشد، ثالثاً صاحب خانه يا ملك باشد
تاهايات مستقيم بدولت بدهد، رابعاً مأمور نظامي
ري بحري و اجزاء و معاونين حكومت محلي و عمله
يات نظمية نباشد، خامساً فساد عقیده نداشته باشد،
سادساً مجازات قانوني بسبب جنایت يا مرتكب قتل يا
سرقه نشده باشد، سابعاً زن نباشد، ثامناً ورشكسته
تقصير نباشد

و ايضاً انجمن نثار در روز جمعه بيست و نهم
جادي الاولى ۱۳۲۷ از صبح الي ساعت ده در خانه
ملكالتجار حاضر هستند از برای گرفتن اوراق تعرفه،
لذا بايد اشخاصي كه ورقه تعرفه در دست دارند قبل
از روز انتخاب از روی بصيرت و سلبقه و اختيار
طودشان اسم يك الي دوازده نفر اشخاص صحيح
بنديني كه داراي شرايط فوق باشند و بهلاوه سواد
قلمني هم داشته باشد و سن آنها كتر از سي سال
نباشد و قبل از وقت يا خودشان باو طاب انتخاب
شدن باشند يا بتكليف انتخاب كنندگان قبول انتخاب
شدن را نموده باشند در نزد خود انتخاب کرده از
برای و كلك در انجمن ايالتی بوشهر و روی يك ورقه
كلمه سید بنی بنگانی بدون امضا رأی خود را نوشته
كند و با بقیه سیرت در روز بیست و نهم جادی
اولی در خانه ملكالتجار حاضرند

تشریف آورده كه ورقه و كاندماهی آراه از ایشان
گرفته خواهد شد و با كزيت آراه و كلاهی انجمن
ايالتی كه دوازده نفر بايد باشد بمن خواهد شد
هر كس بعد از ساعت ده (۱۰) وارد شود در
حالی كه ورقه تعرفه در دست هم داشته باشد از او
قبول نخواهد شد

و اشخاصي هم كه تعرفه در دست ندارند حق
دخول در آن موقع ندارند
توضیح — اينكه هر كس بخواهد امضای انجمن
نظار را وكيل كند ميتواند
(محل امضای نظار)

آقا سيد محمد علي، آقا سيد عبدالله بهبهانی، آقا
سيد عبدالرضا، حاجي ميرزا غلامحسين، حاجي رضا
بهبهانی، آقا شيخ محمد حسين معلم اول مدرسه
* * * *

خيرخواهان را از مطالعه اين اعلان روي تازه
و مسرتی بی اندازه دست داد و همه را امید چنين
بود كه هر چه زودتر است آدمهای خوب بصويت
انتخاب خواهند شد، و از حالا تا به بعد پش آمد كارها
بصلاح و صواب مقارن ميفانند، يك مسرت ديگر هم
از اين جهت بود كه انجمن سابق كه از سمت رسميت
و اسميت عاری بود حالا يك نوع رسميتي پيدا ميكند
و بجای انجمن ولايتی اساس ايالتی پايدار ميشود.

حالا برويم بر سر معتاب ديگر، جناب آقا سيد
مرتضى امری كه در اين اواخر از مداخله در كارها
محروم مانده و بقول خود گوشه گيري را اختيار فرموده
بود ميگويند از اشرار تنگستاني خلی بوی رسیده بود
كه او را تشجيع بباره اعمال کرده و اظهار نموده بودند
كه هر دوواست بايد فوری قد مردانگی علم کرده و
جنبشی بفرمایند و الامی بينم كه بزودی كار گذشته
و شما به بدترین طوری گرتار چنگال قلمه شده و با
هزار سختی و بلا دوچار ميشويد، و بد از آنكه كار
شمارا ميسازند البته باها مپردازند، گویا اين خط يك نوع
حرارتی در سيد حادث کرده و نصایح بر ضرر ناھمين
دروغی و حواشی و تاھين بيخروغ او هم كه همه خود
خواه و خود پرست بودند تاير فساد را بيشتتر بشماره دو
آورده و آنرا زبانه ورترا ساخت، و خود او هم
كه بالذبح از جنبه بخبري و عاری بودن از مقتضيات
عمر از باقي ملايان اينجا به ديپووجه من الوجوه كتر

نبوده بلکه از جهت همراهی بودن مرتبی بر آنها داشت و بین الامثال والافران شخص شاخص میبود، این قرات تماماً دست بهم داده و با جهات و بخبری ملت ملاقات کرده شد آنچه نباید بشود، پس طولی نکشید که او هم دست بکار شده اعلان ذیل را که فی ضمه معرف موزع آن است تر داد

اعلان افتتاح انجمن ولایتی بوشهر
(یوم مبارک یکشنبه ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۷)
(هل یتوی الذین یعلمون والذین لایعلمون)
(من جامع فینا لهدی ینهم سبنا و الله مع المحسنین)

برکاته وطن پرستان و عدالت مالمیان و قتم الله تعالی مکشوف میدارد، اینکه بر حسب امر مجدد صادر مطاع حضرت مستطاب آیة الله فی الارضین حجة الاسلام خراسان مدظله این انجمن در یوم موعود انشاء الله تعالی باین والبرکه مفتوح خواهد شد، کیفیت تشکیل این انجمن این است که باید ۱۲ نفر با کثرت آراء بجهة وکالت انتخاب شود، ۶ نفر از علماء و معارف شهر، دوفتر از سیاسی و لیکه و ۴ نفر از محلات و مضافات که بر طبق قانون اساسی معمول بدارند، و هرروزه باستثناء یوم جمعه از ساعت ۹ الی ضروب خودشان یا وکیل از قبل خودشان که با کثرت آراء تعیین وکالتش شده باشد باید حضور پیدا کرده و اگر بدون عذر مقبول خودش یا وکالتش در تشکیل انجمن حاضر نشده و حسب ترتیب نظامنامه با آن معمول خواهد شد، مقصود اصلی از افتتاح این انجمن رفع ظلم از مظلومین و احقاق حقوق منسوبة از غاصبین و قاع ریثه استبداد و برداشتن بدعتها و تصرفات اداره جات قبضه مالمیان باشد، و هرکس عرض و شکایتی داشته باشد اروضیع و شریف بزرگ و کوچک در این انجمن حاضر شده رفته رسی عرض نماید، بدون تذکر و ترحیح بر همدیگر اداء حش خواهد شد و محروم نخواهد ماند، و هرکس نخواهد مانع از اجراء احکام صادره از این انجمن شود بر حسب قانون اساسی با او معمول خواهد شد، و این انجمن دایر است بتأییدات اعیان حضرت ولی عصر عجل الله فرجه با ترتیبات مذکوره باین اسم تا مادامیکه امضاء از پاران مابران برسد آوقت اگر انجمن دیگر متعذر شده باشد در تحت حاکم آن خواهد بود -

انجمن مظلومین خراسان

(انجمن نظم بسیار حضرت آیت الله العظمی)

(حجة الاسلام خراسانی)

جناب مستطاب سید العلماء الاعلام کتف الانام ملاذالاسلام آقا سید مرتضی امری دام الفضاله العالی جناب دریاپکی برای همراهی با ملت و اعلاء کلمه حق و مشروطیت و اجراء احکام صادره و مساعدت جنابهای و جناب مستطاب ملاذالانام حجة الاسلام آقای حاجی میرزا محمد دام الفضاله العالی فرستادیم، مادامیکه با شما همراهی دارد عموم اهالی بوشهر و مضافات او را محکومت بشناسند. اداره جات باید بتصرف ملت باشد، و محصول گمرکات و سایر دوائر اگر از مصارفات آنجا فضیلی پیدا کند صرف مجاهدین تبریز و سایر نقاط نمایند، و اگر خدای نخواست از این جاده انحراف پیدا نمود اهالی ایشانرا بمحکومت نشانند، و بنام خوانین عظام و روساء نظام مخصوصاً نوشته ایم در همراهی حکومت با جنابهای بطوریکه مذکور شده

الاحترام الجانی محمد کتف الخراسانی

آن انجمن ایالتی تازه و این انجمن و مشروطه و قانون اساسی جدید الانشار آقا مایه قوت دلها شده و حقیقت خیال میکردیم که مشروطه بوشهر حالا دو آتشفشان شده و رادر رضای جمهوریت گردیده، چرا که غرض از تأسیس مشروطیت ایران تقلیل ظلم است و بمحمد الله حالا اول انجمن ایالتی تقلیل ظلم میفرماید و بعد از آن انجمن آقا دفع ظلم میکند و پیش از آنچه میخواستم بدست میاید، ولی طولی نکشید که خبر رسید اشرار تنگستان در صدد هجوم بشهر برآمده اند و میگویند سید آنها را دعوت بامدن کرده است، و گویا آنها را اسباب برای عضویت آن مجلس خیالی خودشان خواسته، و رسماً جهت قبضه کردن ادارات کرک مثل سابق طلبیده اند، و مردم هم که هنوز دزد با و خرابکارهای آنها را فراموش نکرده بودند از شنیدن برگشت آنها در هیجان و تشویش افتاده و خود را در خطر فوری دیدند، از طرف انجمن هم سواد تعلیقه مبارک حضرت مستطاب آیة الله فی الارضین آقای خراسان مدظله که در ترویج انجمن مظلومین

حضرت آیت الله العظمی خراسانی مدظله
 بفرموده فرموده اند

(بسم الله الرحمن الرحيم)

بندر بوشهر مورخه ۲۹ شهر ع ۲ سنه ۱۳۲۷
 انجمن ولایتی وعموم علماء اعلام وامراء وخوانین
 عظام و تجار محترم بندر بوشهر وسایر بنادر وقایقه
 عالی آن صفا را سلام وافر مخصوص مبداریم ، بعد
 از تذکرایکه از بصره مخبره و جواب آن هم بتوسط
 جناب دعدشقی مخبره شد از بجاری حالات آن صفا
 اطلاعی نداریم ، جناب حلالتماب اجل دریاسکی دام
 تأیید هم بنظران حکومت منتخبه ملیه حرکت فرمودند ،
 انشاء الله تعالی بمان تربیتی که سابقاً کتباً و تلگرافاً
 نوشته شد باید بانجمن ولایتی بنیادینکی نوع مات مسلم
 و تمام ادارات مالیه و نظمی و حریبه وغیرها در تحت
 مراقبت انجمن ایالتی و مالیه نظارت انجمن و جناب
 اجل دریاسکی را بمقام ریاست قوه اجرائیه ومحکومت
 منتخبه ملیه برقرار واهم مقاصد استحکام اساس امنیت
 عمومی و رفع بهانه انگلیس و اخراج آنها است از
 آن خطه که انشاء الله تعالی بوسیله اخراج انگلیس از
 بوشهر روس هم از خراسان و آذربایجان رفع بد
 نماید ، امروزه اهتمام در استحکام امنیت عمومی در کلیه
 بلاد وقایقه مارق وشوارع هم تکالیف اسلامیة مسلمین
 است که بوسیله امنیت کامله استقلال مملکت محفوظ و
 حوسایه امنیت و استقلال مملکت دین و دنیای مسلمین
 محفوظ و اساس مشروطیت استوار گردد ، چنانچه محافظت
 با اساس مشروطیت بمنزله محاربه امام زمان ارواحنا
 خداه و با مسلمان منافی است همین قسم اقدامات منافیه
 امنیت کامله هم چون موجب تسلط کفره و فساد
 بیضه اسلام است لهذا مثل محاربه با صاحب شریعت
 و با مسلمان منافی است ، باید عموم مسلمین در حفظ
 امنیت و عدم تعرض باحدی وحفظ نفوس واعراض
 و اموال مسلمین وغیر مسلمین از تبهه خارجه و داخله
 ایستادگی نمود بپناه الله تعالی وحسن تأیید نگذارند
 بفرموده فرموده اند ، امید که انشاء الله تعالی
 بفرموده فرموده اند

ملت ایران را بخدمت و دانائی در تمام عالم سر بلند و
 در نزد صاحب شریعت صلی الله علیه و آله روسفید
 فرماید - والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته
 (الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

ولی سید از خیالات خود منصرف نگشته باز مردم
 را از اشرار میترسانید ، تا اینکه روز شنبه پانزدهم خبر
 رسید که غلامحسن نام سرکرده اشرار شده و با جمعی
 که عددشان به دویست و پنجاه نفر میرسد در خارج
 شهر ورود کرده ، علی الطلوع جوقة از مستحقین داخل
 شهر بیرون رفته و استمدادی از سرباز و توپ هم
 حرکت کرد ، و مسموع شد که کاشتگان غلام حسین
 گفته بودند سید خطی باو نوشته و اظهار کرده که
 با جمعی ببوشهر حرکت کند ، چونکه بموجب حکم
 مجده خیال انعقاد مجلس دارد و باو اطمینان داده
 بود که از طرف حکومت هیچ اقدامی برخلاف او
 نمیشود چونکه مات و دولت ابداً اجازه جنگ را
 نداده اند ، و گذشته بر این بعضی مستبدین که سابق
 قوتی داشتند حالا کمال ضعف دارند ، و لازم است
 گوشمالی درست بایشان داده شود ، و این بود که
 قنکچیان تنگستانی در بعضی خانهها سنگر گرفته و زد
 و خورد شروع شد و از صبح تا مغرب جنگ درکار
 بود و از قضا طوفانی سخت برآمده و باد تندی وزیدن
 گرفت که کسی نمیتوانست دیگری را ببیند ، و اگر
 کسی بگوید در دوازده ساعت چگونه فقط از هر طرف
 یکبشر کشته شد ، همین قتره را دلیل آورده و عنبر
 بی کفایتی اردوی کیوان شکوه قرار میدهم . دوسه
 خانه را هم که متر اشرار بود گلوله ریز کردند یا
 باصطلاح تازه آدمهای ایران بومیاردمان نمودند ؛
 و خسارتی بآنها رسانیدند ، و بعد از مغرب حوقه
 اشرار قرآنی نزد حکومت فرستاده امانخواستند و همان
 شب هنگام براه افتاده بمنازل خویش باز گشت نمودند
 سید که این حال را دید و شکست اشرار را مشاهده
 کرد خود را از آنها بیزار و انمود کرده و گفت
 اینها فقط برای همین آمده اند که شکایتی از شیخ
 حسین خان نزد حکمران کنند ولی معلوم بود که این
 حرف ساختگی است .

روز مدد بی دوشنبه ۱۸ جمادی الاولی که لشکر
 نصرت اثر برگشته و بهادران میدان شیرت ودلاوری

ودلاوران امر که شهادت و بلند اخروی علی صاحب السلام
قشون هریک در مجلس از شجاعت خود داد سخن
میدادند ، قرار شد از طرف رؤساء لشکری شرحی
ببید بنویسند و او را آگاه سازند که وجودش در
انجام مایه فساد و افشاش است و بایست در غار
بست و چهار ساعت حرکت کند ، مشتی از کببه و
دکانداران هم در دارالحکومه اجتماع کرده و حرکت
سید را خواستگاری شدند و بعد از آن علماء شهر هم
در آنجا اجتماع کرده خلی بید نوشتند و از هیجان
عمومی خبر داده و خواهش کردند زیاده از این اسباب
بروز نماند نگردیده و بساط خود را برچیده ببارفی
برود ، جدا گانه هم استشهادی نوشتند که وجود او
در این شهر مایه افشاش و اختلال نظام است و هر
نهیج است باید دفع شود ، مراسم علماء که بید رسید
جوابی بدینضمون داد ، که من مدتی است مظلومیت
اختیار کرده ام و در باب حرکت اشرار حضرت
ولی عفر (عج) را شاهد خود قرار میدهم که بی اخلاق
هستم و اگر مسافرت من اصرار دارید باید قونسل
جنرال انگلیس ضمانت بمن بدهد که سه روز مهلت
داشته باشم و بعد از آن روانه بشوم و الا برای
دفاع حاضرم ، گویا این خط هیجان مردم را تسکین
نداده و مخصوصاً رؤساء قشونی که آتششان خیلی تیز
بود و هریک در عالم خود رتبه و عقل خود را از
(توگو) و (نوگی) و (اویاما) برتر و بیشتر تصور میکردند
اصرار بر حرکت فوری او کرده مجدداً از طرف
حکمران شرحی بدو نوشته شد ، که از قرار مذکور
بدست جناب استیضاب آقا سید اسدالله نزد وی فرستاده شد
و او را مهلت سه ساعت داده بودند که حرکت نماید ،
در این اثنا تفنگچی و سرباز بعضی هاب را بر کرده و
اتباع سید هم که در خانه دیگر بودند منزل خودش
آمدند و میگویند (رسالت آقا سید اسدالله نتیجه و
تقری بخشید) و بعد از ظهر باز سید ابوالحسن نامی
که با ایشان آمده نزد سید رفته التماس و اصرار را از
حد گذرانید ولی او هم کاری نکرد و باز گشته و
بی اعتنائی سید را خبر داد ، در این بین توپ کوچکی
هم از جهاز گیلان پیاده کرده بر خانه که مشرف
بر منزل سید بود نصب نمودند و ساعت هفت بود که
چنگ در گرفت و گلوله از هر طرف بنسای باریدن
گرفته و برای عابرین و تاجاچیان اهدا امنیتی نامه

و در وقت که سید را خبر دادند
ورود قشون هریک و جنگ آمدند
ماید . . . ولی آنها برای تسخیر خانه خود بی حرکت
و اینها از هر دو طرف در راه جهاز گیلان
آری (زین حسن تا آن حسن نری است در وقت)
توپ کوچکی چندان گاری نهنگارده آخر از سادات
توپ بزرگی آورده مشغول گلوله ریزی شدند و
رو بهمرق ، متجاوز از یکصد تیر شلیک کردند اما خانه
سید را خیلی جزئی مینوب ساخت ، در این بین
بعضی از تفنگچیان با بیل و کلنگ يك طرف خانه
را سوراخ کرده و داخل شدند و این قره اسباب
مظلومیت آدمهای او شد ، و تقریباً يك ساعت بهروب
مانده بود که کشتگان او از سگهای خود شنان
پایین آمده فرار کردند ، اول کسیکه فرار نمود منشی
او با چهار نفر تنگستانی بود و بعد از آن هم يك يك
بیرون میآمدند و میگریختند ، سرباز ها هم بهجریک
داخل منزل راه یافتند به غارت و چپاول پرداختند
و اهل نااهل بوشهر هم با آنها همراهی کرده هر چه
موجود بود در اندک مدتی بردند ، حتی درب اماقا
را هم برداشته و غارت کردند بچینی که حالا تمام آن
خانه دارای يك درب هم نیست ، و در این هنگامه
غارت که برپا شد کسی ملذت احوال خود سید نبود
و او هم با دوسه نفر از اتباع خود بقونسلخانه
انگلیس روانه شد ، اما آن روز آنجا بند بود و
دروازه را هم بسته بودند از این روز بوق
در کوچه نشسته بود که در این چند نفر سرباز
رسیده و برا دستگیر کردند ، دیگر بر سر او چه آمد
و این سربازهای وحشی و اهالی بی حس و بی غیرت
چه نوع با او رفتار کردند شرح نمیآورم ، و اگر کسی
حاضر بود که طریق اسیر بردن سربازان دیگران را
با سربازان ما موازنه کند بخوبی از جهاز گیلان
دانش ایشان آگاه میگشت ، میگویم مشارالیه مظلوم
و مظلوم و غیر معلوم بوده و نیابت دستگیر شود ، با کسی
میگویم این حیوانهای دو پا که با هم سرباز خوانند
میبوند بایست طریق اسیر بردن را بخوبی بدانند و
تنها خودشان از بی باسی نکند بلکه دیگران را هم
مانند شوند ، حرکات آنها با جناب آقا سید هر نفس
يك برده کوچکی از روز ۲۲ جمادی الاول در روز
و سربازان مظلوم سربازان سید را

در میان اینها که در آنجا میبود ،
 اینها را که با این مردمی بنامد ، مثلاً
 که در آنجا میبود ، را گرفته و بدون
 که بجهت تضرع و گناه او دست بضرع و زجرش
 تمام میکردند ، اینها هم سران چهار محال که دیروز
 در از طرف گرسنگی در نزد ارباب متحصن شده بودند
 آنچه از ایشان بر میآمد در سل سید کوتاهی نکردند ،
 يك نکته دیگر هم که حل جهالت و نادانی ما را
 بت میکند اینست که مثلاً وقتی او را از کنار سر باز
 نامه دیور میدادند هر سر باز از گرد راه میرسید
 ك اذیتی باو میکرد ، و اگر از اینها میرسیدند
 کدام حکم و بکدام حق ایثار میکنند از جواب
 اجز بودند ، این است مع نظم و ترتیب قشون
 این است حیثیت دینداری امالی ، تا او را بچهار
 رج رسانیدند آنچه بد رفتاری که نباید در حق
 و بکنند کرده بودند و آنچه او را مغلول ساختند ،
 مسموع میشود که نه گناه از مستخدمین حکومت
 در زندان هم باو اذیت کرده شجاعت و حلال رادگی
 خود را در آنجا بیبوت رسام بود ، و قهقهه سر باران
 و غیره به جاییدن خانه سید شغول بود و بکنتر از
 تنگناهی ایام او در کار فرار بود او را همانجا
 گلوله زده کشتند ، و از این رو هم دو نفر در همان
 محله مقتول گردید و يك ر مجروح شد که صبح
 آن فوت نمود ، پس از آنکه شد خانه بکنتر از
 امالی که تنگناهی سید را داده بود فارت کنند ،
 و بهادران محله کارزار ، سر بازان خدمتگذار
 جان نثار (؟) مانند گودوز سام نریمان شده رفتند ،
 که فقط آن خانه را سر تا چاییده بلکه دو منزل
 دیگر که نزدیک آن بود اموال و اقبال خالی نموده
 صاحبان آنها را از تکامل آن همه اسباب آسوده
 نمودند .

کسی بخواند نمونه ت ایرانی را به بنید
 پایست تر دست و زورکی بازان چهار محال را
 صلاحته کند و بجهت که از زمین ایران از نامرد
 سخالی نیست !! با اینهم اکتفا کرده صبح روز دیگر تا
 سید با سید و گانگ و ضایعهای خانه سید را
 در آنجا میبود ، و اینها را ببرد ،
 در آنجا میبود ، و اینها را ببرد ،
 در آنجا میبود ، و اینها را ببرد ،

و همان طور که کله بزرگان ایران از عقل خالی و
 خشک است آن را از آب خالی و خشک نمودند ؛ چهار
 نفر از تنگناهی اتباع سید در این حیص و بیص
 گرفتار آمدند و منتهی او هم که اصل مایه فساد و محرک
 و مشاور او در این مفاسد شناخته میشد با برادر خود
 دو کلیسای ارمنه پناهنده شده بود و آخر الامر دستگیر
 شده بدون اذیت مدار الحکومه برده شد
 میگویند در همان وقت که حاکم در کار بود سید
 مشارالیه زایر خضر نام را که از رؤسای تنگستان است
 طلبدیده و نزد دریا یکی فرستاده امان خواسته بود ، ولی
 مأمورین محترم نظامی که در صدد انتقام اعمال سید
 نسبت بخودشان بودند (یا بطوریکه مردم میگویند
 میخواستند سید را از میان بردارند تا آن بد و بستهای
 محرمانه سابق خودشان در برده باشد) اعتنا نکرده و
 جنگ را امتداد دادند ، و حقیقت بعد از چندین سال
 بیکاری که قطع می خورد می خوابیده اند در این
 محله از همگی بروز شجاعت و رشادت بی حد شده ،
 از دلاوری ایشان رسم دستان غرق غرق خصلت و
 افعال - از بهادری آنها مهراب و اسفندیار قرین تنگ
 و عار - از درست تیر زدن آنها تمام لشکر ژاپون
 انگشت تعجب بدانان گرفته - و از رشائی و آراستگی
 هر يك از آنها زبهای مصری با جاو دست خود
 را بجای نارنج بریدند !!!

می می جنس ایرانی که ما شاء الله همه چیز میشود ،
 گاهی در عیش و بزم به تهنیت نمودن اقتداح راج میردازد ،
 و زمان در صف رزم به استعمال رماح و سلاح کار
 خود را میسازد - نمیدانم این دیوران بادیه شهادت
 و جهوران محله فضاقت کجا تشریف داشتند و قهقهه
 عثمانیان ساوجبلاغ را بقوه جبریه گرفته و تهنیت گرقس
 خوی و سامان می دیدند ؛ ولی هر کجا بود ما حق
 این حرفها را نداریم ، و فردا است که می بیند
 گرامی جریده ایران (اگر هنوز دایر باشد) چه آب
 و تاب همین کشمکش را توصیف و تعریف بدهد و
 قافیه را بر خود تنگ بنماید ، می حسن کفایت و این
 درایت و صدق عقیدت و خلوص طویرت است که
 می بارد ، و می قلع و قمع اشرار و نظم کشور و
 دیار است که از بحر دانش و اقیانوس فصاحت ایشان
 طراوش و ریزش مینماید !!! باری روز دیگر سید را
 بالسه تازه ماهی گرفته و بجهت پرس بلیس فرستاده که

در آنجا تحت الحفظ بماند و منزل و مسکنی را هم برای
 اهلیتس معین کردند ، دو نفر دیگر هم از اهل عیال
 گرفتار نمودند ، یکی شیخ ابوالقاسم نام کازرونی که
 میگویند وجهی از سید گرفته و قصد او از بوشهر
 تا نجف بوده و در بعضی کارهای او هم شرکت
 مینموده ، و دیگری شیخ اسدالله نامی است از طلاب
 حراف که میگوید از جناب سید نزد تنگستانیها میرفته
 و آنها را تخریب بمهاجرت بوشهر مبر کرده است .
 در بیان این سخنها يك واقعه مضحکی رخ داده و آن
 این بود که وکیل اصناف که بواسطه مطالبات داخله و
 حرجه در کارگذاری توقیف است بکارگذار پیغام
 داده بود که این احرار (یعنی اشرار) تنگستانی
 آمده اند مرا از اینجا بیرون ببرند ، و چون من حالا
 مدتی است نزد شما مانده و يك نوع بستگی پیدا کرده ام
 نمیخواهم آنها قوه جبریه بکار برده و اسباب بی احترامی
 کارگذاری شود ، و بهتر آنکه خودتان اسباب کرده
 مرا مستخلص سازید تا بروم و بعد از چند روزی
 کار مردم را تصفیه کنم - ایشان هم میخواستند باین
 وسیله و بهای ذمه خود را از مردم فارغ سازند ، پس
 قهره برای اثبات بعضی مراتب و محسنات جلی ایشان
 کافی است ، و عجب آنکه ناخودیکه هنوز در کارگذاری
 توقیف و از فیصله کارهای خود عاجز دارد کاشتکاش
 در شهر تک و بو بر آورده باصرار و التماس از مردم
 درخواست میکند که او را برای انجمن آینده منتخب
 سازند ، و بعد نسبت این مردم احق هم که هنوز معنی
 حقوق وکالت و چگونگی انجمن را نفهمیده اند او را
 انتخاب کنند ، با وصف این حال بطور میتوان امید
 ترقی را در حمار خود بخطور آوریم
 هر چه چند روز بعد از آن باز خبری رسید
 که اشرار تنگستانی استمدادی زیاد فراهم آورده در
 (دلیار) که مراکزشان است خندق حفر کرده مهیای
 مدافعه هستند و گویا بعضی اظهارات و شرایط هم
 بحکومت پیش کرده بودند که از آنجمله ایست
 (۱) سید را با احترام بتمام خود عودت دهند تا
 کافی السابق بکار خویش مشغول شود
 (۲) خانه او را که خراب کرده اند تعمیر و
 حرمت کرده بحال خود برگردانند
 (۳) اسباب او را بموجب تفصیلی که خودش میدهد
 مرجوع بدارند

(۴) بطوریکه چهار نفر ایشان بسیارند و آنها را بکشند و اگر
 اشتقا بچپکس نکرده و بر بوشهر هجوم خواهند شد
 خیر گرفتاری سید وارد تنگستانیها هم گرفتاری آن
 طرف ملت بنقاط لازمه اخبار شده و از قرار ادوات
 وارده شخص دریا یکی خیلی ساهی بوده که کار منجر به
 این مقدمه نشود ، ولی بطوریکه گزینم نواتنی سید و
 غرض و خود خواهی حواشی او و تسبیل مأمورین
 محترم نظامی این نتیجه بشومه را که هم بحال دولت و
 هم بحال ملت مضراست حاصل نمود ، چنان مستطاب آقا سید
 اسدالله خارقانی هم در صلاح ذاتالبین خیلی جدوجهد
 نمودند ، ولی همان تملل مذکوره مساعی جبهه ایشانرا
 بی نتیجه گذارد ،

یکی از مخبرین ادار نوشته بود که بعد از اختتام
 جدال که قشون مدارحکومه وقتند مأمورین محترم
 از جناب حکمران استای جایزه کرده بودند و
 ایشان هم تلگرافی بآنها داده داد که از طرف حکومت
 باغ شاه صادر شده بود اینمضمون . که چون مأمورین
 نظامی در این حرکت بوشهریان بمساعی نکرده
 و از اشرار جلوگیری رده بودند باید تمام آنها را
 مأخوذ و محبوس بنمایند بعد از ملاحظه این حکم
 که همگی ملت و حیران به بودند تلگرافی دیگر بآنها
 نشان دادند که از حکم بطهران مخبره شده و در
 حق مأمورین توصیه و بارش کرده ذمه آنها را از
 دخالت و شرکت در فساد بری و عاری ساخته بود -
 شیخ ابوالقاسم نام شیخ اسدالله را بعد از دو
 سه روز حبس بانجمن ر برده و آنها را بکلام الله
 الهیید سوگند داده بود که مصدر فساد و شراب
 نکشته و بانجمن بوشهر همراه باشند و بعد از آن
 آنها را مرخص نمودند جهاز برس پلیس هم برای
 آوردن استمداد از بندر يك حرکت بدان صوبه
 کرده و جناب سید فعلاً در چهار برج نگاه
 داشته اند تا بعد چه شو

اعلامی
 (از طرف انجمن محتراق و اداره محترم پلیس)
 (و کمیسیون محترم مدین مشبه اسدالله)
 (ارکامم بسوم بران دینی و وطنی)
 برادران عزیز و خطرو واضح است
 هر ملت خانه خود را باین

مجلس است که در این خصوص ما که (وطن) ما
باشد روز بروز در شرف تهیاد است، و مادر حقیقی
و مهربان این بچل کرد ابناء مظلوم (ایران) که
و این است از کثرت زخمهای تیرهای زهر آلوده
ابناء جاهل ناخلف خود بدیک است که وای بر ما
خدای اوداع !!! گفته ابناء بیچاره خودش را یتیم
بگذارد [اینها نگذارد]

پس هر فرد فرد اوقات را واجب است که
در مقام تعمیر و آبادی این خانه شریف و معالجه
جراحات این مادر عزیز آیند و بر آئیم، و با تمام
قواء بشریت خود مان با مرد و زن - و آقا و
فکر - غنی و فقیر در دم و قلع عناد و جهل و
غفاق بکوشند و بکوشیم تا جامه بی حیثیتان نباشند و
نبوшим، از جمله جان نشوران این (وطن) عزیز ما
اعضاء مجالس مذكوره توفیق که بصوابید برادران
محترم وطنی خود احلاس زده اوقات خویشرا که در
نزد عقلاء، وقت شناس (وقت) ثروت حقیقی محسوب
میشود در راه اجرای تکام قرآنی و احکام نبویه
و فرمایشات حضرات صحیح الاسلام مصروف مبداریم
و خواهیم داشت، ولی کثرت گرفتاریها و بسیاری
تکالیف واحده با ما پیش که نتایج صحیحه مطالب
سیاسی و دینی بقار ما آید و فکر نمیرسد، از این
جبهه بعرض برادران خبر مبرسانیم که از امروز
به بعد هر کس خیال من و رای صوابی در نظر
دارد صحت مصلحت نوع در آن باشد زحمت
کشیده مصائب خود را که برای منافع عموم ملت
در نظر دارد با کمال توجع نوشته به یکی از این
مجالس برساند تا در حیث نقد معارض آراء شده بد
از تصویب کثرت آراء مجرب و معمول داریم، برواضح
است که این مطالب با رعایت بر مات و وظیفه انسانیت
و مقتضای اسلامیت خواهد بود، و هر که میخواهد در
آنجای مینویسد امضای بشر آشکار بنویسد که تا
چنین خیر خواهان مات با القلوب باشد

زنده باد و آزادی خواهان حقیقی،

نیست باد جهل و غفاق

لشکر افغانستان مسلح شدن

(با جدید)

(تلگراف آباء جون جبهه ۱۹۰۹)

مجلس است که در این خصوص ما که (وطن) ما

سرحیات اقواء شایع و زایع بوده است که اگر چه
حضرت امارت پناهی را اراده مسلح ساختن سپاه
افغانستان با اسلحه جدید تازه اختراع قنک های
نمره ۳۰۳ بوده است، اما ضرور نیست که توجه و
اهمیت فوق العاده بر این اقواء در اراده امیر داده شود،
نظر بر اینکه تجارت اسلحه در ممالک افغانستان از
قرار واقع از راه سواحل مکران و بلوچستان و آنهم
زیاده قنکهای مارینی است و اگر چه قدر قلیلی از
قنکهای جدید اختراع نمره ۳۰۳ را هم از کرکات
گریزانیده و با افغانستان برده اند اما نه بقدری است که
بتوان لشکر کثیری را با آنها مسلح ساخت مگر
معدودی از لشکریان را که آنها بسبب دقت نظر
ارباب دولت نمیگردد، مطلوب مملکتیکه از قبایل متدیده
مسکوند زیاده میلان اهالی بطرف مرکز مملکت است
که کابل باشد نه اینگونه قنکهای لوله باریک کوتاه قد
حکومت و غلبه ملت و دولت ایران

وقتی ما می توانیم از حسن عاقبت امور مطمئن باشیم
که مجلس و کابینه وزراء صحیح داشته باشیم، اگر وزراء
خوبسرکار داشته باشیم می توانند مجلس را بنحط صحیح
رهنمای نمایند، و اگر مجلس خوب مرکب از وکلاء
عالم و بی غرض داشته باشیم می توانند از وزراء خوب
نگهداری کنند، برای اینکه مجلس مقدس مرکب از
وکلاء صحیح باشد لازم است از طرف علماء و ارباب
جراید مردم را بیدار نمایند تا اینکه اهالی در موقع
انتخاب چنین تصور نکنند که وکیل برای امور شخصی
است (چنانکه سابق این تصور را می کردند، حتی اغلب
امور شخصی خودشانرا در عدله و محاکمات بوکیل
مجلس رجوع می کردند، و منتظر بودند که وکیل مجلس
زود در عدله و از طرف او محاکمه شود و اگر وکیل
مجلس این تکلیف را قبول نمی کرد یواش یواش مردم
می رنجیدند و یک اشعار می فرستادند، که ما فلان
وکیل را منزول کردیم!) اگر این دفعه در انتخاب
وکلاء دقت نکنند و ملاحظه دوستی و خصوصیت را
منظور ندارند لابد مجلس مرکب از وکلاء عالم باز
نخواهد شد، باندازه که ممکن است بر دانایان لازم که
این نکات را ب مردم حالی کنند خصوصاً بر ارباب جرائد
متعتم که در این بابها خیلی تأکید نمایند که موقع وا
مفتم شمرده و فوت نکنند، معلوم است وقتی که
مجلس مرکب از وکلاء عالم و کابینه از وزراء خوب

تشکیل شد، بدین است بطورهای صحیح میتوانند در اصلاح ماله و حربیه و عدله و علمیه بکوشند (ولی باز عرص می کنم که اصلاح ماله و حربیه و غیره وقتی خواهد شد که مجلس و کابینه وزراء صحیح توی کار باشند) و برای اینکه ادارات را منظم نمایند لازم است از دول بی طرف خارجه مستشار اجیر نمایند، مدتی است که خارجه های همسایه این خیال را دارند، پس خوب است قبل از اینکه خارجه این عنوان را بکنند خودشان بدین خیال باشیم، برای اینکه ادارات منظم باشد هیچ حرفی نیست که فعلاً محتاج اجیر کردن مستشار از خارجه هستیم، چرا که بدبختانه از خودمان داریم.

این نکته را باید مردم حالی کرد که قانون مخصوص یک مملکت را نمی توان عیباً در مملکت دیگر بوقع احری گذارد و دلیل آن واضح است، بات ای که در قانون باید متوجه پیشرفت آن شد، و برای ای که یک قانون در مملکت بش برود باید رعایت عادات و اخلاق آن مملکت مدقت ملاحظه شود، این رعایت را کسانی می تواند بکند که اطلاعات صحیح و بصیرت همه از امور و اخلاق و عادات مملکت داشته عالم باشند، امروز بدبختانه در ادارات مملکت ما اشخاص عالم پیدا نمی شود، خوب است یک شورای مملکتی هم داشته باشیم که این شورای مملکتی هم بکابینه وزراء و هم بمجلس مقدس ملی کمک کند، و این شورای مملکتی چنانکه در فرانسه و عثمانی و در بعضی جاهای دیگر هم هست، در ایران مرکب باشد از اشخاصیکه تجربه و بصیرت و اطلاعات در کارها دارند، مثلاً اشخاصی باشد که حکومت کرده اند، وزارت کرده اند، اغاب ولایات ایران را خوب دیده اند، علاوه بر اشخاص فوق چند نفر هم اشخاص عالم و مطلع از قوانین خارجه داخل آن شورای مملکتی نمایند، و باید سعی کرد که مستشارها اشخاص عالم باشند، پروفیسر باشند، و خیلی باید سعی بکند که در موانع اجیر کردن آنها اشخاص خوب و باوجدان و با شرف اختیار نمایند، درینصورت بدین است لوائح قانونی که از شورای مملکتی یا دولتی که بطور خوب تشکیل شده باشد بکابینه وزراء بدهند که بمجلس مقدس ملی تقدیم شود مطابق با وضع مملکت شده مثل سابق عیناً ترجمه از قانون خارجه که شاید در ایران پیشرفت نمی کند نخواهد بود، همین طور این

شورای مملکتی یا شورای عالی مستشارین
می تواند بطوریکه در خارجه بکند
امروز عقیده اغلب را در این می بینم که خوب است
در ایران مراعات مواه ذیل بشود

(۱) مجلس شورای ملی با انتخابات صحیح تشکیل شود
(۲) کابینه وزراء مرکب از اشخاص خوب باشند
(۳) یک شورای مملکتی یا دولتی مرکب از اشخاص
با بصیرت و عالم بقوانین خارجه تشکیل بدهند

(۴) خود دولت از خارجه برای ادارات، مستشار
های خارجه اجیر نمایند، اینکه یک دستگاه با این ترتیب
حاضر نمایند فوراً به ترتیب خوب میتواند در اصلاح
ادارات مرکزی و غیر مرکزی اقدام نموده و نتایج
خوب حاصل کنند، وی مثلاً مهم هم تجزیه این
دستگاهها است از هم دیگر که مثل سابق مجلس مستقیماً
بامور اجراییه و تصایه مدله بکند، بلکه مجلس وزراء
را مشول بداند و خودشان را نادر و منتس اهل
آنها بدانند، نه اینکه مجلس گاهی مداخله بامور راجحه
بوزرا و گاهی بامور راجحه بکند، اگرچه سابق
از بسکه وزراء بجهاتی که همبند هیچ کاری کردند
مجلس مجبور بمداخله می شد، باری در باب مستشار
خارجه اصل مقصود اینست حالا که مستشار خارجه
لازم است خود دولت حواست اشخاص صحیح بدون
مداخله خارجه اجیر نماید که آن مستشارها بد از
آمدن بایران مانند سابق مطیع دستورالعمل همسایه
های ما شوند، بلکه معال فایده و دخواه خودمان
از روی کمال بی غرضی بد نمایند و کار بکنند، و
البته در این صص باید خسی سکرد که از خود
ایرانی ها تربیت بشوند، رفته رفته رفع احتیاج از
خارجه بشود، و این را عرض میکنم که اگر
وزراء خوب کارکن سرکار باشد ممکن است که عوض
مستشار معاین خوب از خارجه برای تدریس اجیر
نمایند که آنها در مکاتب دول تدریس باشند و وزراء
هم ضمناً از آنها استادمند، در هر حال طوری
باید کرد که مستشار راجحه برای ما معین نکند
در صورتیکه لازم است، مان اجیر تا می بدون
مداخله خارجه

نخل از روزنامه شمس
جناب: حبه الاسلامی

حضرت آقا محمد باقر (ع) و خاندان حضرت آیة الله آقای
 خراسانی که در آن یکجا است در اسلامبول تشریف
 بیاوردند و در آنجا امر و وکالت حجج اسلام آقای
 حلزاسانی و طاهردران مدظلهم الهی برای تبریک جلوس
 میمنت مائوس ، روز شنبه هفتم شهر حال به حضور
 اعلی حضرت سلطان محمد نجیب ترفیاب شده و اعلی حضرت
 نمایونی آقای مشار الیه را در مقابل خودشان جلوس
 داده و مورد منتها درجه انت شاهانه فرمودند ، و
 ترجمان قبول فرموده و با ایشان بازبان فارسی در
 کمال طلاقت و بلاغت مصاحبت فرموده اند ، در
 اتنای مکالمه اعلی حضرت هابوز اراده صادر فرموده اند
 که سلام و محاوریت شاهانه بتوسط ولایت بغداد
 به حضرات حجج اسلام آقا خراسانی و مازندرانی
 تبلیغ نمایند ، و در وقت وداع جناب حجة الاسلام با
 اعلی حضرت هابون مصاحبه نموده و دعای دوام و
 ازدیاد عمر و انبال ملوکانه ریحا آورده مرخص
 شده اند

صورت نطق جناب آقای شیخ اسماعیل
 (اسم الله الرحمن الرحیم)

مسرت بن اندازه و کمال فکر از سعادت ، و
 نیک بختی خود دارم که ابهامی کرده موفق زیارت
 این موقف کریم و مقام عظیم بلا می گردیدم ، از صمیم
 قلب با نیت خاص صان درل اقتضار و از جانب
 مولی و استادان بزرگواران فرد رؤسای مذهب
 حمزری حجة الاسلام آقای اخلاص ملامحمد کاطم خراسانی
 و حجة الاسلام آقا شیخ عبده مازندرانی تبریکات
 لایقه بارگاه اعلی حضرت اقدس شریاری خلد الله ملکه
 و سلطانه عرض می دارم ، و بد میکنم حضرت ملک
 الملوک جلوت عظمت را که تحتاج دولت علیه عثمان
 را بذات شاهانه اعلی حضرت اقدس مزین و منور
 فرمود ، و اریحکه سلطنت جهانی را بجلوس
 اعلی حضرت زیبا و یابدار فرم

اعلی حضرت ، شهربارا ، جدارا ، روح مقدس
 اسلام را از جلوست حبست بد بخشیده شد و از
 سر جوان بختی و جوانی را فرمود ، قبل بر این
 هم ثابت در آنست و جلوست کلمات شاهانه ات را
 به نیت برینک شانه و جلوست بتعلیل چنین روزگار
 بیرونی و بیخود از جلوست جلوست جلوسه بر

آنکه زمام امنیت و حفظ رعیت را بکف با کسایت
 سپرد ، اعلی حضرت ترا پروردگار حرمت و خداوند کار
 ممدت که معنی و حقیقت اسلامیت است مقرر فرمود ،
 این ختیر و موالی و استادان عظام که مههاتان دولت
 علیه میباشیم و در حرم محترم حضرت امیر المؤمنین علی
 علیه السلام نجیب اشرف مجاورت نموده بدعا گوئی دوام
 دولت و نرط عظمت و شوکت اعلی حضرت شریاری
 صرف عمر مینمایم ، ممنونیت کامله از مراحم ملوکانه
 اعلی حضرت شریاری داریم ، و پیش از پیش متوقیم
 مشمول تفتای شاهانه بوده موفق بدعا گوئی باشیم و
 چون دو تن تلمیذین اسلامیتین نیر یکشجر و فرع یک
 اصل و دو دست یکجسند البته خاطر قدس مظاهر
 اعلی حضرت شریاری متوجه بزیاد روابط اتحاد و
 استحکام آنست ،

بارآنها لشکر توفیق و جنود اقبال و تساکر نصرت
 و مملکت انسانیت را مسخرش فرما !

(یارب دعای خسته دلان مستجاب کن)

فی ۱۶ جمادی الاخر سنه ۱۳۲۷

داعی دوام دولت علیه و وکیل حضرتان معظم الیها
 (اسماعیل رشتی محبی)

اعلان وزرا یا تمسخر احرار طهران
 چون نیت مقدس اعلی حضرت قدر قدرت اقدس
 شاهنشاهی ارواحنا فداء از اعطای مشروطه که منتها
 وسیله عظمت سلطنت و استقلال مملکت و سعادت
 ملت و حصول استظمار عموم اهالی بمراحم ملوکانه و
 مزید اطمینان باین موهبت عظمی است بموجب این ورقه
 بموم اهالی دارالخلافه اعلان میشود که هر کس از
 هر طبقه باشد بدون استثناء هر عنوان نسبت بمشروطه
 و مشروطه خواه هتک حرمت و یا فرضاً فحاشی نماید
 اعم از اینکه لظمی و شناهی و یا کتبی باشد و یا بدآ و
 لساناً در صدد ایذاء احدی بمنوان مشروطه خواهی بر
 آید مقرر است مأمورین نظم دارالخلافه بدون هیچ
 ملاحظه آنها را توقیف و به تحت استطاق در آورده
 پس از اثبات نظر به تقصیر او مجازات و تنبیه نمایند
 (هیئت وزراء)

پروتست انجمن وفاق ایرانیان

(مصر ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۲۷)

بنام ایرانیان مقیمین مصر انجمن وفاق ایرانیان
 حکومت اعلی حضرت بادشاه انگلیس را از حد

تیم و صدق طریقی که بکلیه عین باهر و جدید آن
بنام پو شهر از حکومت مشارالیه بمنصه ظهور رسیده
با کمال اعجاب و تعجب مینماید

بدین مناسبت ایرانیان مصر توجه ملاطنت آمیز
حکومت و پارلمانها و ملت های تمام عالم متقدمین را بتقاضیه
فیابین حرکات منردانه دولت روس در ایران و
اطهاراتی که دولت مشارالیه با تفاق دولت انگلیس بملت
ایران کرده جلباً ظاهر است جلب مینماید

ملت ایران که با تمام قوای فعاله و حیثیه خود
در اعاده حکومت مشروطه و شوروی در ایران از بذل
هیچگونه نفس و نفس تقاعد نوزیده است ، از این
مکتبه تأثر بسیار دایرگراشی دارد که روسها نسبت بحزب
ضعیف قهقر در ایران در مساوت مادی و معنوی
استدراار مینمایند ، اختلال قوای نظامی روس بشهرهای
ایران بلا موجب و بدون سبب مقبول ، عدم سنگرهای
دفاعی شهر تبریز ، نزع اسلحه داوطلبان احرار ملی ،
و تسلیم نقود بحکومت حاصره تیل از اسقصاد پارلمان
ایران و بدون تصدیق آن تمام این مراتب با اطهارات
و تأمینات متناقضه دولتن انگلیس و روس در کمال
مباہیت و با اساس عدم مداخله بهامورات داخلیه ایران
در نهایت مغایرت است

مادامیکه در این اعلانات مؤلفه که ایران را خون
آورد کرده در تمام نقاط ممالک ایران حرمت و صبات
جان و مال اتباع خارجه را که در ایران بصدقات
شہامت مله بیک مہمان نوازی عمیم نابل هستند احزاب
احرار ملت بعالمان انبات کرده اند آن رفتارهای روس
در ایران با عدالت و اصاف و خاصتاً با حقوق بین الملل
بیشتر تناقض پیدا میکند (انجمن وفاق ایرانیان مصر)
(اطلاع نامه انجمن وفاق مصر)

حضرات هموطنان محترم دامت توفیقاً تم را زحمت
اطهار مہدارد ، کہ سواد تلگرافیکہ از طرف انجمن
وفاق ایرانیان بساحت مقدس حضرت آیات الله نجف
اشرف مدظلالها العالی عرض شده و حکم محکم شرعی
کہ از آن ساحت مقدس شرفصدور یافته است ذیل
معرض مزید اطلاع و مباہات هموطنان محترم درج میشود

سواد تلگراف انجمن وفاق
(مورخ ہتم ماہ ماہ ۱۹۰۹)
(نجف اشرف)

نجف اشرف - حضرت حاجتین ملازہدائی و

خراسانی دامت برکاتہا و عافیتہا
پارلمان تکلیف شرعی چیست ؟ اعضا
سواد حکم تلگرافی حضرت
(خراسانی مدظله کہ بتاریخ ۱۶ ماہ ماہ)
(زیارت بدہ است)

مصر انجمن وفاق دولی اعلان مشروطیت تکلیف
کاکان تا شرائط ملت قبول شود اعضا
(محمد کاظم الخراسانی)

تلگراف ہیئت علیہ نجف اشرف
(بانجمن سعادت اسلامبول)
(۱۰ ج ۱ - ۱۳۲۷)

۱۰ ج ۱ علیہ - انجمن سعادت - این تلگراف را
بسر داران ملی هر کجا باشند رسانید ، از اعلان مشروطیت
ظاهر میشود کہ تمام فجایع اوردہ بر ملت مظلومه مستند
بدرباریان منشد البته آن طمہبان استقلال دولت و
مشروطیت بموجب اوامر مطاعه آیات الله حرکت
بظہران ، قانون اساسی و البابت را بدون تغییر بجزی و
قبل از اتمام عملی تقریق قوی ملت نشود ، و الا خوف
ہزارگونہ تدلیسات صعب لاج میرود
(ملت علیہ نجف اشرف)

تکلیفات
(۲۹ ج ۱ - ۱۸ جون)

۱) (مسیو ہبروان سوین مسیو استولی بن و مسیو
اسوالسکی) پس از تشریح خدمت بحضور امپراطورین
روس و آلمان تا دیر باہا یکدیگر تبدیل افکار
می نمودند ، این ملاقات در وزارت خارجه دوستانہ
بودہ است

۲) (مسیو ہوماکوف رئیس مجلس دولای روس
بعیت جہی از اعضا براسہ ہتہ بساحت انگلستان
آمدہ تدارک پذیرائی شاہہ نوع دیدہ شدہ و در
قصر (بکینگم) ۲۶ ن بار حضور اعلیہ حضرت
پادشاہ انگلستان را خواہایانت (لارڈ بیور) در
(میشن ہاوس) ایشان دعوت نمودہ است

(۳۰ ج ۱ - ۱۹ جون)

۳) (مسیو ماکنہ) دو بدلتن (سنن نطق خود
اطهار داشت کہ عرضت انگلیس از تقوی بر سایر
دول از حیث قوای بجزہ عجز اقتدار است بلکہ
باید از خوف حلالیت خود را بجا آورد

نموده وارد قم شده اند. قولنامه های روس و انگلیس از اسنپان سردار اسعد را تعاقب نموده که از حمله بطهران باز دارند

(۷ ج ۲ - ۲۶ جون)

بموجب خبری که بمخبر روتر از طهران رسیده سعدالدوله از بی نهایت بختساریان به طرف طهران از عهده خود استعفاء داده است

§ بر (مسترگرام) قونسل انگلیس که عقب سردار اسعد میرفت دو نوبت در راه قم شلک شده و مجروح گردیده است

(۱۰ ج ۲ - ۲۹ جون)

§ سردار اسعد که با اردوی جیم بزرف طهران میبود در جواب نمایندگان روس و انگلیس اظهار داشته که در قم قیام خواهد نمود تا وقتی که استعفاء پارلمان بشود

بموجب خبر اخیر که از طهران رسیده کمیسیون روسی و انگلیسی که نزد سردار اسعد (برای بازگشت از حمله بطهران) رفته بود ناکام شده و شاه هم در تدارک مدافعه است

بموجب دولتبان زاید الوصف از حرکت ملتبان بجانب طهران مشوش شده اند

§ سعدالدوله که استعفاء داده بود بعهده خود برقرار خواهد ماند

(۱۱ ج ۲ - ۳۰ جون)

§ بموجب تلگرافیکه از (پترسبرگ) رسیده ملاحظه میشد قدمی ملتبان به طرف طهران دولت روس فقط برای محافظه رعایای خود و سایر اروپاییها قشون با توپ روانه طهران خواهد نمود و درین حرکت قشونی ابداحبال مزاحمت با حرکات ملتبان ندارد

(۱۳ ج ۲ - ۲ جولای)

مخبر (روتر) از طهران خبر میدهد که تکان و بازار تمام بسته. تجار مرعوب اند از غارت بواسطه هجوم و پیش قدمی ملتبان بجانب طهران. از پلیس شهر هیچ کاری ساخته نیست

(۱۵ ج ۲ - ۴ جولای)

روس رسماً بدولت اطلاع داده که او و انگلیس در پروگرام اصلاحات ایران ناکام شده ملتبان هم از پیش بطهران باز نمی آیند. ولواتت تقدم است در

بموجب خبری که بمخبر روتر از طهران رسیده سعدالدوله از بی نهایت بختساریان به طرف طهران از عهده خود استعفاء داده است

(۲ ج ۲ - ۲۱ جون)

بموجب خبری که بمخبر روتر از طهران رسیده سعدالدوله از بی نهایت بختساریان به طرف طهران از عهده خود استعفاء داده است

از بابالی کبیته تشکیل داده که اصلاح نواقص قشون اح (سلانیک - بروسه - شام - بیروت - بغداد و رض دوم) را به نمایندگی از این رو (کرنل بونهام) (میجر تریل) در شام و بروسه میروند

(۳ ج ۲ - ۲۲ جون)

§ (غازی احتراشا) بسارت فوق العاده برای اخبار تخت زمین اعلیحضرت سلطان محمد پنجم بیسای تخت می بول بزرگ مأمور شده است

§ اعلان قرصه عثمانی آنچه باید در لندن بشود بند. در ظرف سه ساعت سه مقابل مبلغ مطلوبه جمع دید (این اعتبار را عثمانی از برصکت منروطیت پشت حاصل نمود. و این اول استراضی است که عثمانی بواسطه در بازار صرافان حاصل نموده است)

(۹ ج ۲ - ۲۸ جون)

در حکومت جدید عثمانی امران وعهده دارانی که خوار شده و از خدمت خارج گردیده اند نان تا اکنون به (۲۷۰۰۰) رسیده. سبب عمده نای است. و مورث تکدر خاطر ها میباشد

(۱۰ ج ۲ - ۲۹ جون)

تلگرافی از (سلانیک) رسیده که تدارک قشون عثمانی برای مقابله جدی در مسئله (کرید) با دولت دیده می شود. قشون ردیف را حکم آوری شده. انواع سرحدی یونان را حکم که از منافعه باقشون عثمانی احتراز کنند. ضمن آرایش اوزرای عثمانی اظهار داشته که بابالی هیچ میلی دست بردار از (کرید) نتواند شد

تلگرافات روتر راجع ایران

(۶ ج ۲ - ۲۵ جولای)

بموجب خبری که بمخبر روتر از طهران رسیده سعدالدوله از بی نهایت بختساریان به طرف طهران از عهده خود استعفاء داده است

نص حفظ و رعایای خود و سایر دول از یاد کوبه بطریق
ولی قشون وارد خواهد نمود، و فعلاً از قزوین تجاوز
نخواهد کرد، و در آتی به مناسبت موقع کار روانی
خواهد نمود

قشون روس که از یاد کوبه روانه می شود یک
رژیمان قزاقی و یک بناای پیاده با توپخانه است
سردار قشون را دستور العمل جنس داده شده که
وطیقه او منحصر بحط سنارت حبه روس و دول
ساره و رعایای احنیه و مجموع است که مداخلت نماید
در معاملات پلنیک

چهل آلتین

عاقبت دربار کجمدار نگذارد که کار بجای نازک
نکند، چگونه از دریای که مملو از روسی و
ایرانیان روسی پسند باشد امید مصالحت بین ملت و دولت
توان داشت، چه مسلم است اگر ملت و دولت متحد شوند
امپت در مملکت حاصل آید. چگونه روس در خراسان
و آذربایجان بل خود طهران مقتدر مان گونه پیش قدمیا
میگردد، عجب تر این که درباریان و مان فروش استقلال
خود شان را در سایه دحالت دادن روس بنداشته،
حالام ساعی اند که قشون روس را وارد طهران نمایند
و یقیناً هم خواهند نمود

مقام منبع ریاست روحان و سرداران ملی را ایقان
شده که با وجود این دربار خداعت آثار استقلال
ایران باقی نتواند ماند، این است که حداً در قلع و
قع این دربار ساعی اند، از تلگرافات و روتر نقط حرکت
سردار آمد تا قشون ملی استنبان و مجاهدین بختباری
ظاهر می شود و تا کنون از سپهدار اعظم و اردوی ملی
وشت چیزی اجبار داده. ولی بموجب تلگراف مخصوص
اداره از قزوین حضرت سپهدار اعظم با اردوی ملی از
قزوین بجهت طهران حرکت نمودند

تلگراف مخصوص از قزوین

(۱۰ ج ۲ - ۲۹ جون)

چهل آلتین کلکته - سپهدار اعظم با اردو حرکت
بصران نمودند (اتدار السلطان)

ظاهر است که سردار احمد از قم، و سپهدار اعظم
از قزوین که حرکت کرده توام وارد طهران

توکه غوری کار را یکبار در قزوین و پس قبل از رسیدن
قشون روس ب طهران به قزوین و از آنجا به تهران
در متهای سهولت قشون روسی را از تمام ایروان استخراج
توان نمود، و مملکت ایران بی طالب باز بقیه ملت
خواهد در آمد، و تمام ایروان بانه جوقی خارج شد
خواهد گردید، ولی هرگاه بست جنینند و پیوسته
تا کنون در هر قطه و هر موقع جنیند آید،
و قشون روس وارد طهران گردید، کار مشکل و امر
خیلی بطول خواهد انجامید، اقوال ایروان پلنیک غلبه
روسیان را اید قابل اعتبار و اعتماد نتوان قرار داد
و از سکه میگوید قصد مزاحمت ملتبان نمیباشند و وارد
طهران نمی شوند اصبتان نباید کرد، این گونه اظهارات
را قبل از وارد نمودن قشون به تبریز هم رسا داده
و هم رسا گتند، ولی همیشه وارد شدند بنای آن
گونه مخالفت کار رسا را با احرار گذاردند، چگونه
چنین نباشد که علاوه بر دشمنی روس با حریت قشون
اورا دربار در طهران طلب نموده و از تلگراف ذیل
این نکته محوی ظاهر تواند گردید

تلگراف طهران

(۱ ج ۲ - ۲۸ جون)

درباریان دخالت روس را بدین وسیله خواسته اند
که (از حط طال و جان اتباع خارجه در طهران حاضر
و من بعد رسا ذمه دار نیستیم

درین صورت نمیتوان تصور کرد که پس از ورود
قشون روس ب طهران یا قزوین بانه ملتبان نگردد، و
حایه از درباریان نمایند، تلگراف روتر هم که در
بازارها را بسته و تجار خوف از ظلمت دارند و آن
کاری ساخته نیست، همه یعنی بر پلنیک است که
قشون روس را در طهران لازم قرار دهند،
از ورود قشون روس در صورتی کار پیشرفت خواهد
نمود که اول مستند اطلاع روس شوند، ظاهر است
آن وقت کار مشکل تر خواهد گردید، سهولت
ملت تا وقتی است که قشون روس وارد نگردد

پس رؤسای ملت و سرداران چهل آلتین
که بخلاف دربار و ساعی اند از آنجا
شده و عدم ضرورت قزوین
داشته

در صورتی که در این عمل و با است
 در این خصوص
 در این خصوص
 در این خصوص

ایران و ولایات روس مطروحه است
 بهانه روسها داده و میدهند و روسها با این بهانه مظلوم
 ایران را بجزم مسلمانان و حریت خواهی بقتوه آورده
 بهانه میجویند، و ملتبان هم بر حسب اوامر بواب امام
 همه قسم از طرف شدن با خارجه تا امروز احتساب
 نموده و می نمایند، تا جائیکه روسان بدون سبب و
 جهت واستحقاق بر آنها شلیک نموده، دویست نفر آنها
 را بتل می رسانند. ملاحظه ملتبان از روس از تلگراف
 ذیل بخوبی استنباط تواند شد

تلگراف مخصوص

(۱۰ ج ۲ - ۲۹ جون)

ناصرار دواتبان عاقبت بدون سابقه به بهانه مهمل
 روسبان بر ملت شلیک . دویست نفر بیگناه کشتند ،
 حضرات آیات الله را خبر دهید ، اقلآ تکلیف مسلمانان
 ملت را معین نمایند (علی زاده)

ای حضرت آیات الله در احکام خود محافظه
 مال و جان تبعه خارجه را بر ملت مظلوم ایران واجب
 قرار داده اند بخباشان که همسایگان ایران مراعات
 انسانیت و لحاظ عدالت خواهند نمود ، از پیش آمد
 و امانت خراسان و آذربایجان بیدام رؤسای روحانی
 بجویش آمده اند ، یا خیر

(در بیان قمر دویا نخته بندم کرده)
 (نازمبگوئی که دامن ترکم هوشیار ماش)

در هر صورت نازم عقیده ما این است که غیر تمدن
 خراسان و آذربایجان را لازم است که تا فیصله امر
 طهران (که تقریب خواهد شد) سکوت و سکون اختیار
 نماید ، زیرا آنچه بر سر ملت از خارجیان آمده تمام
 از فساد عقیده دربار است . پس اول باید شر این
 دربار ملت کش و بان فروش را از مملکت دفع نمود .
 چه مسلمانان اگر چندی دیگر این دربار بروی کار باشد
 روس را بدون جنگ و خساره مملکت بالاستقلال هر
 چیز ایران و ایرانیان خواهد ساخت

(۸ ج ۲ - ۲۷ جون)

بر حسب تلگراف بوشهر دریایسکی یا هشتمه نفر
 ششم جادی اتالی بزم تپیه تنگستانها از بوشهر حرکت

(۱ ج ۲ - ۲۸ جون)

بر حسب تلگرافیکه از پترزبورگ رسیده در شهر
 مشهد مناقشه دواتبان و ملتبان بالا گرفته ، سنگر ملتبان
 و آمده و شد به جنگ روس را سد نموده ، بنابر این
 قشون محافظ قونسل خانه روس با توب دوسنگر ملتبارا
 خراب کرده و راه را سد نمود و هیچ قسانی بروسبان
 وارد نیامده ثلاث ملتبان هنوز معلوم نشده است
 و خبر روزی از طهران خبر میدهد که در شلیک
 روسبان بر سنگرهای ملتبان مشهد که جنگ یکطرفه
 بوده یکصد و سی نفر قتل رسیده و از جانب روسبان
 هیچ قسانی واقع نگردیده است

حبل اتین

ملت بی صاحب ، ملت بی وقوف ، ملت بخت
 برگشته . ملت موقوع ناشناس ، ملت مرعوب ، ملت ایران
 است ، جان این ملت سپه روزگار گویا از جان حیوانات
 هم بر قدر و منزلت تراست . اگر این واقعه برای
 ملت دیگر واقع شده بود دهاهوی مقدمین اروپا عالی
 و بر کرده بود . هرگاه يك نفر نصرانی که سهل است
 يك يهودی بی صاحب باین بی رحمی دچار تیر شدوان
 میگردد نوع خواهان عالم انسانیت را بیجان می آورد ،
 بی یکنفر قشون روس در تبریز شب تاریک ناگهانی تیر
 میبارد ، با اینکه ضارب معلوم نیست ، جنرال روسی ده
 هزار تومان از ملت سپه بخت تبریز خساره می طابد ،
 دویست نفر احرار ایرانی بدون تصویر بدون گناه هدف
 ظلم و ستم روس می شوند کسی نمی پرسد چرا ؟ آری
 اینک اجنبی را که ما خود دعوت بخسانه خویش نمائیم
 تا ملامت او را هم باید به بنیم ،

روس در جمیع نقاط ایران دعوت شده دربار
 روس است و خود کرده را ملامت نیست . چشم
 در این خصوص

مردودت جمع و خرج دفتر آقا هادی میرزا مهدی و اولاده تاجران

پای آنه	زویه	(وصول)	پای آنه	روپه
۷ ۶	۷۳۹۲	جمع الی تاریخ دهم ربیع ۲ ۱۳۲۷ بموجب اخبار نمرة ۴۲	۰	۷۰۶
۰	۰	سال ۱۶ از آن بعد رسیده از چنار	۰	۶۵۰
۰	۰	که در اخبار درج نشده	۰	۴۵۰
۰	۲	ایضاً از آن بعد از چنار رسیده	۰	۳۹۰۰
۰	۰	جمع کل	۶	۱۲۷۶
۰	۱۳		۹	۷۳۹۵
۰	۰		۰	۳۰۰
۰	۰		۰	۱۵۰
۰	۰		۰	۳
۰	۰		۰	۷
۰	۰		۱۴	۲
۰	۰		۶	۰
۰	۰		۶	۷۳۹۵

که انشاء الله عنقریب خواهد شد با عکسهای لازمه ترتیب داده، ظاهر است که واقعات مبینه تاریخ هر نقطه و عکسهای بزرگانی که در این (دولت) حصه بزرگ گرفته اعم از استبداد و مشروطیت بر اعضای اداره پوشیده نیست، ولی از جزئیات واقعات هر مرکز اهالی همان مرکز آگاه نیستند و اقیانوس، هرگاه معارف پژوهان وطن خود را هر نقطه جزئیات واقعات بشیم دید، از این اداره اطلاع دهند مزید امتنان و محبت شکر در همان کتاب خواهد گردید، و همین است اگر عکسهای تهیه را فرستند

تشکر
جناب مستطاب آقا محمد حسین صاحب تاجر دهدشتی از راه معارف پژوهی زحمت و کالت جبلالتین را در پوشهر قبول و اعضای اداره را رهین امتنان فرمودند، مشرکین محرم راست که در امور متعلقه با اداره رجوع بایشان نمایند

اعلان مخصوص
اداره جبلالتین تاریخ قیام ایرانیان را بمقتوق طلبی با مقدمات آن از زمان مرحوم قائم مقام قارولسیون کنونی الی افتتاح ثانوی مجلس مقدس

تذکرات مخصوص از اسنهان

(۲۲ ج ۲ - ۱۱ جولائی)

کلیکتہ - جبل الدین - ہشتم ، اردوی چہارم
حرکت - تریہ چہار ہزار سوار دیگر دیدہ شدہ
باتفاق حضرت مصمم السلطہ حرکت - بوجہ خیل محتاجیم
- اوضاع کدوئی ایران

بعضی را عقیدہ این است کہ سہترین مواقع برای
ایران امروز است و ظاہراً ہم چنین میناید ، ولی بقیدہ
مایکو ترین موقع برای جلب سعادت ادبی ایرانیان
ہم امروز است ، چہ امروزہ مقتضیات بلتہکی برای
ایران چنان پیش آمدہ است کہ بیک جنبش شہورانیہ
میتوانند حیثیت قرون سائتہ خود را حاصل نمایند ،

ہر قوم و ملت تا در احقاق حقوق ملی دست بشمشیر
نمود پای تقدم در میدان ترقی پیش نہ گذارد ، یکصد
سال است ملت ایران در فشار ظلم حقوق ملیہ خود را
از یاد دادہ اند ، درین قلیل زمان محمد اللہ آن جنبہ را
حاصل نموده کہ در برابر دشمنان داخلی (کہ گاہی
تصور مقابلہ با آنها نمی نمودند) دست ستیز در آورده
مقام ما را اختیار نموده اند ، عنقریب دیدہ خواهد
شد کہ با دشمنان خارجی ہم (کہ اینک مرعوبشان
ہستند) دست بہ بقہ شدہ دست مالارا گیرند

روس همان روس و ایران همان ایران است کہ صد
سال قبل قرب یکقرن رد و خورد داشته و ہمارہ
دست مالارا مبرققتد ، فقط چیزیکہ ایرانیان را عقب
انداختہ همان مرعوبیت بہحان است کہ از خارجیان
پیدا نموده اند ، ورنہ حیثیت روس در جگہ ما زاپون
و غیرہ معلوم علیہان است

ایرانیان باید بدانند کہ موقع ایران قدری اہمیت
سببسی دارد کہ در صورت پا فشاری محقوق وطنیہ
خود هیچ دولت ، بتواند یک نبضتہ از خاک متقدس وطن
ایشان را تصاحب نماید

ایرانیان جدآ باید خارجہ را دخالت در امور
داخلہ خود ندهند ، و ہرچگاہ نباید وسامت آنها را
قبول کنند ، اگر از بدو امر ملتہان مرعوبیت بجا را
کنار گذارده با قوت قلب جلوگیری از دخالت اجانب
می نمودند کارشان با بجا نمیکشد ، حالامہ ہر قدر بیشتر
ملاحظہ از اجاب نمایند خارجیان را زیادتر بر خود
مسلط خواهند کرد

ایرانیان اگر غیرت دارند ، دیانت دارند ، ناموس

میشوند ، یعنی عصمت میباشند ، و این میباشند ، اسرار
و ملیت دارند ، بدو باید ترک معاملات با متجاوزین
نمودہ لشکر اجنبی را از خاک متقدس وطن خود خارج کرد
ورنہ ہمہ قسم مستند مدافعتہ با آنها شدہ و ہنر بلتہکی
درومان آنها هیچ دشمن قوی بر ایشان ندیدہ نتواند حیثیت
ایرانیہا بدانند کہ ایران مانند باد و برقی ندارد از
مشروعیات تمدنی مہکنند ، جلوگیری آنان در مشروعیات
درمنہا درجہ دشواری است تا چہ رسد بہود استبداد
شک نیست کہ موقع ایران نازک است ، ولی طانیان
بہمت مجاہدین دریای ظلمانی را طی نموده و خویشتن را
بساحل نوران رسانیدہ اند ، چون ملت ایران بیدار
شدہ و در احقاق حقوق خود شمشیر بدست گرفتہ
نمیتوان تصور مغلوبیت دائمی در آنها نمود ، و تاریخ نشان
نہدہد قومی کہ در احقاق حقوق حقہ خود دست
بشمشیر نمود مغلوب شود

مس پیش آمد دورہ تاریخی ایران را مطابق المثل
بالمثل مانند فراسہ ملاحظہ میکنم ، و ابدأ از لشکریان
بیکانہ در خاک ایران خوف زده نیستم ، چہ می بینہ
ہمینکہ بردشمنان داخلی غلبہ حسیم (و این غلبہ قلم
و مدسی است) امروز بہ فردا خارجیان توقف دو
خاک ما نتوانند نمود

امروز اعظم و طائف ملیہ ایرانیان اعم از خارجیان
و داخلہ آست کہ ہمال و رجال و افکار کک نمایند
اردوہای ملی را

امروز باید جمیع انجمنہای ایالتی و ولایتی ایراد
رشتہ تأییدات مالی خود را با انجمن اسنہان و گیلان
مربوط نمایند

امروز رؤسای روحانی ما راست کہ حکما بر طہ
عقل و شرع آحاد و افراد و انجمنہای ایالتی و ولایتی
را و ادار نمایند بکمک اردوہای ملی ، چہ
بردشمنان داخلی عن غلبہ بر متجاوزین خارجی اسنہان
ہر قدر آحاد و ہآت ایرانی تسامح از تأیید عالی بار دوہای
ملی نمایند بہ همان قدر کارہا دیرتر انجام خواهد کرد
در عدم معاونت سایر بلاد در حق مجاہدین

جمیع حرائد عالم ملتہان ایران را بہ بیدردی
ہتی یاد کردند ، امروز اگر در حق اردوہای
گیلان و اسنہان ہم تقلید و رزم بدون شبہ
معلوم اجانب خواهیم بود ، و این

از روی ایرانیان زودہ

سفرات روس در ایران

(۱۹ ج ۲ - ۲ جولائی)

پس از آنکه دولت و قشون ملی در (شاه آباد) که
مقر از طریق مملک گردیده اند

در اردوی ملی در شاه آباد ملحق یکدیگر
گردیدند

سردار اسد مجدداً بجواب مراسلات روس
و انگلیس نکات که اردوی ملی را هیچ گونه سوء
فهمی بتخصی شاه نبیاشد فقط ادااماتان برای تکمیل
بودگرم مشروحه و برقراری امنیت است

تا وقایع نکار طمس از طهران تلگرافاً خبر داده
که در جنگ شاه آباد سبب و شصت تراق با دو
توب سریع الاطلاق و یک توب (مستقیم) در تحت
امر کپتان (بواسکی) و دو افسر دیگر روسی شامل
بوده اند چهار نفر از قزاقان دولتی و دوازده نفر از
قشون ملی بقتل رسیده اند

حبل المتین

اعتماد نمودن بسختان دیپلماتی اینگونه وخامها را
در پیش دارد ، اگر دولتین روس و انگلیس راست
میگویند که حمایت از هیچ طرف ندارند افسران
روسی روس از روی چه قانون بجنک ملتبان میروند ،
سردار روسی اهالی قنقاز را در تبریز باین بهانه از کک
ملتبان بر طرف داشت که باید ملت و دولت را بحال
خود گذارد اگر سختی بحقیقت گفته چرا افسران
روسی از روسی و غیر روسی خود را از جنک بین ملت
و دولت تلبیحه میکنند ؟ بی تمام اینها برای ضعیف
نمودن ملت و نصب حقوق آنهاست ، ملتبان نباید ازین
مراعات محروم شوند ، با این حال اگر افسران روسی
در میدان جنگ کشته شوند ، قانوناً دولت روس نمیتواند
از خواست نماید ، چه افسران وی بر حسب اعلان بی
طرفی دولت روس از وظائف خویش تجاوز نموده اند ،
کشته شدن افسران روسی در جنگ مانند کشته شدن
کارتیهای خارجی است که بجهت ملت برخاسته باشند
چون دولت متبوعه او را ایداً حق هیچگونه بازخواست
نماید ، ملتبان راست که قانیه را بناخته بدون
اعتدال محروم شوند

پس از آنکه دولت روس جنگ شاه آباد میگوید
مقر از طریق مملک گردیده اند

حبل المتین

گویا این ربورتی است که (لپاکوف) بوقایع نکار
دلی مبل داده تا کجا مقرون بصواب باشد معلوم نیست
(۱۷ ج ۲ - ۶ جولائی)

در (خوس آف لارد) مجلس اعیان انگلستان (لار
لنکن) سؤال نمود دولت روس که قشون بطهران
حرکت میدهد آیا با حکومت هند هم مشوره شده است
(لارد کروی) جواب داد که نهضت قشون
روس بطهران فقط برای محافظه اروپائیان است

(لارد لنکن) اظهار داشت که پنیر انگلیس که
خواهش هیچگونه محافظه نه نموده است ؟
(لارد کروی) در جواب گنت مشکل است حکم
نمود که طهران بجنک در تصرف قشون ملی آید و
مال و جان خارجه محفوظ ماند

حبل المتین

نتیجه این سوال و جواب این است که دولت
انگلیس درین نهضت قشون روس بطهران با خیالات
روس همراه بلکه مجوزة دولتین است

سپدار اعظم در جواب سزای روس و انگلیس
که حرکت ویرا از (کرج) بجانب طهران مانع شده
بودند مطالب خود را تقدیم نمود که من جمله تشکیل
کابینه است که اعضای آنرا انجمنهای ملی نامزد نمایند
و کابینه قشون روس از ایران خارج شود
سزای دوشین امروز جواب داده که نمیتوانند
دعای ایشان را بشاه تقدیم نمایند

مجدداً سزای روس و انگلیس رسماً بسپدار
نوشته که آنها ضمانت می توانند نمود عزل مستبدین را
سپدار در جواب آنها بیان کرده که نصیبه امر
بوساطت آنها ممکن نیست و تصمیم عزم خود را در
نهضت بطهران اظهار داشته است

(۱۹ ج ۲ - ۸ جولائی)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که سزای روس
و انگلیس مصمم شده اند که با روسای اردو های ملی
ایران ترک محابره و مراسله نمایند

لباخوف اظهار داشته که بمختاریان در ده میلی
(کرج) (بطرف طهران) رسیده و امروز ممکن است
اردوهای ملی ملحق بیک دیگر شوند

قشون روس تحت امر (سنیزکی) از ازلی طرف
خروین حرکت نمودند
در طهران انگلستان امروز (سنیزکی) ...